

۱۵۶/۱

۱۵۷/۱

نام درس: انظمه سیاسی کد: ۷۲ تعداد واحد: ۲ ۱۵۱/۲
پیش‌نیاز: مبانی علم‌سیاست و عدم مداخله ... کد: ۶۶ هم‌نیاز: ندارد

الف - منابع مطالعه

- ۱ - مکاتب سیاسی معاصر - ویلیام انیشتاین ، ادوین فاگلمان - ترجمه حسینعلی نودری - نشر گستره / (تهیه شود)
- ۲ - جزوه درسی / (در جزوه)

ب - ضمائم

ندارد

ج - ارزشیابی

۱ - امتحانات

- ماهانه اول : ندارد
- میان ترم (۳۰ نمره / هفته نهم)
- ماهانه دوم : ندارد
- پایان ترم (۵۰ نمره / هفته هجدهم)

۲ - تکالیف

- تکلیف اول (الزامی / فردی / ۵ نمره / هفته چهارم)
- تکلیف دوم (الزامی / فردی / ۵ نمره / هفته هشتم)
- تکلیف سوم (الزامی / فردی / ۵ نمره / هفته سیزدهم)
- تکلیف چهارم (الزامی / فردی / ۵ نمره / هفته هجدهم)

۳ - گزارش

ندارد

مخصوص جامعه بهائی است .

صفحه	عنوان
۲	۱ - جدول کارنمای ساعات مطالعه هفتگی
۳	۲ - برنامه مطالعه هفتگی
۵	۳ - فهرست بازمینی جزوه درسی
۶	۴ - روش مطالعه درس و تذکراتی درباره کتاب درسی
۸	۵ - نحوه انجام تکالیف و امتحانات
۹	۶ - تکلیف نوبت اول
۹	۷ - تکلیف نوبت دوم
۱۰	۸ - تکلیف نوبت سوم
۱۰	۹ - تکلیف نوبت چهارم
	۱۰ - نظم بدیع جهان آرای حضرت بهاء الله و دیگر انطه سیاسی
۱۱	جهان
	۱۱ - فرهنگ اصطلاحات

تکلیف	برنامه مطالعه	هفته
_____	۱- راهنمای درس ۲- نظم بدیع جهان آرای حضرت بهاء اللهد یگرانظمه سیاسی جهان (مدرج در جزوه درسی - صص ۱۳-۲۱)	اول
*انجام تکلیف اول	<u>بخش اول</u> : فصل اول : تئوری مارکسیسم (صص ۵۳ - ۵)	دوم
*انجام تکلیف اول	فصل دوم : کمونیسم شورائی در عمل / ج (منابع و منشا ضعف کونیسم (صص ۹۸-۸۱) - صفحات ۵۵ تا ۸۰ از برنامه مطالعه حذف گردیده است . فصل سوم : جهان کمونیست (صص ۱۱۹-۹۹)	سوم
*انجام تکلیف اول و تحویل تکلیف اول	فصل چهارم : کمونیسم چینی بعد از مائو (صص ۱۴۰- ۱۲۱) فصل پنجم : کمونیسم اروپائی (صص ۱۵۱-۱۴۱)	چهارم
*انجام تکلیف دوم	<u>بخش دوم</u> : فصل اول : سابقه فاشیسم (صص ۱۶۵-۱۵۵)	پنجم
*انجام تکلیف دوم	فصل دوم : تئوری و پراتیک فاشیسم (صص ۱۸۱-۱۶۷)	ششم
*انجام تکلیف دوم	فصل سوم : اسپانیا - عواقب حاکمیت فرانکو / ج (به سوی دموکراسی اسپانیائی (صص ۱۹۲-۱۹۳) (صفحات ۱۸۲ تا ۱۹۲ از برنامه مطالعه حذف گردیده است .)	هفتم
*انجام تکلیف دوم	مرور و مطالعه مجدد بخش اول و دوم و نظم بدیع جهان آرای ...	هشتم
*تحویل تکلیف دوم	امتحان میان ترم از بخش اول و دوم و نظم بدیع جهان آرای ...	نهم

تکلیف	برنامه مطالعه	هفته
* انجام تکلیف سوم	بخش سوم: فصل اول: تکامل سرمایه داری (صص ۲۰۱-۲۲۲)	د هم
* انجام تکلیف سوم	فصل دوم: کاپیتالیزم و موکراسی (صص ۲۴۰-۲۲۵) فصل سوم: سابقه موکراسی (صص ۲۴۱-۲۵۲)	یازد هم
* انجام تکلیف سوم * تحویل تکلیف سوم	فصل چهارم: جنگ سرد - تنش زدائی و آینده روابط شرق و غرب (صص ۲۶۸-۲۵۳) مقدمه کتاب از دکتر بشیریه (صص سیزده تا نوزده)	دوازده هم
* انجام تکلیف چهارم	بخش چهارم: فصل اول: دورنما و سابقه تاریخی سوسیالیسم (صص ۲۸۶-۲۷۱)	سیزده هم
* انجام تکلیف چهارم	فصل دوم: تئوری و عمل سوسیالیسم (صص ۳۱۰-۲۸۷)	چهارده هم
* انجام تکلیف چهارم	فصل سوم: آینده سوسیالیسم (صص ۳۲۳-۳۱۱)	پانزده هم
* تحویل تکلیف چهارم	مرور مطالعه مجدد بخش سوم - چهارم	شانزده هم
—	مرور مطالعه مجدد "تظلم بیع جهان آرای حضرت عبدالرزاق" (صص ۳۰۰-۳۰۰)	هفده هم
—	امتحان پایان ترم از بخش سوم و چهارم	هیجده هم

فهرست بازبینی جزوات درسی

به منظور بازبینی و بررسی جزوه^۱ درسی از لحاظ اشتغال بر مفاد یک جزوه^۲ درسی از شما می‌خواهیم پس از بررسی جزوه^۳ درسی انظمه^۴ سیاسی به سؤالات زیر پاسخ دهید .
سؤالات به نحوی طرح شده‌اند که پاسخ آنها باید مثبت باشد در مواردی که پاسخ منفی است موضوع مورد پرسش مبهم است، آن موارد را یادداشت و در اسرع وقت به توسط دوستان محل ارسال نمائید .

این بازبینی و بررسی باید بلافاصله پس از دریافت جزوه^۵ درسی و پیش از شروع به مطالعه درسی انجام گیرد تا چنانچه با اشکال یا ابهامی مواجه بودید، پیش از فوت وقت در رفع آن اقدام لازم به عمل آید .

(۱) جزوه^۶ درسی در هفته^۷ اول به دستتان رسیده‌است؟

(۲) جزوه^۸ درسی کامل و قابل استفاده^۹ است؟ (کمبود صفحات یا صفحات ناخوانا نداشته باشد)

(۳) منابع مطالعه درسی را تهیه کرده‌اید؟

(۴) آیا واضح است پس از گذراندن این درس باید چه تواناییهایی را دارا شوید؟

(۵) نحوه^{۱۰} انجام امتحانات مشخص است؟

(۶) نحوه^{۱۱} انجام تکالیف درسی واضح و مشخص است؟

(۷) برنامه^{۱۲} مطالعه هر هفته مشخص است؟

(۸) نحوه^{۱۳} انجام تمرینات مشخص است؟

(۹) نحوه^{۱۴} استفاده از پاسخ تمرینات مشخص است؟

(۱۰) ضوابط انجام و تحویل تکالیف مشخص است؟

(۱۱) نحوه^{۱۵} استفاده از جدول کارنامی ساعات مطالعه هفتگی مشخص است؟

الف - روش مطالعه :

۱- پیشنهاد می‌شود هر فصل را طی مراحل ذیل مطالعه نمائید :

الف - مطالعه اجمالی : در این مرحله از طریق سریع خوانی، مروری بر زیرنویسها،

جدول و متن اصلی کتاب انجام دهید .

ب - مطالعه دقیق : در این مرحله با توجه به برداشت کلی خود از مطالعه اجمالی

نصل، به مطالعه دقیق آن بپردازید . حاشیه نویسی، مشخص کردن مطالب مهم با استفاده

از علائم - مانند خط کشیدن زیر سطور - و ترسیم نمودارهای ارتباط مطالب کتاب، شمارا

قادر می‌سازد در مرحله بعد، یادداشتهای کامل و گویایی تهیه نمائید .

ج - یادداشت برداری : در این مرحله با توجه به سوالات تکلیفی مربوط به فصل مورد

مطالعه و یادداشتهای مقدماتی مرحله قبل، مطالب اصلی و مهم کتاب را یادداشت و

نمودار روابط موضوعی میان مطالب مختلف را طرح نمائید . با طرح سوال از متن کتاب

می‌توانید حاصل مطالعه خود را به صورت چکیده درآوردید . این یادداشتها، نمودارها و

سوالات به شما کمک می‌نماید که هرگاه نیاز داشتید به نکات اصلی و مفاهیم اساسی هر فصل

دست یابید .

۲ - در پایان مطالعه هر بخش و پیش از تحریر نهائی تکلیف خود مروری بر یادداشتهای

خود انجام دهید .

ب - تذکراتی درباره کتاب درسی :

در مورد کتاب درسی - "مکاتب سیاسی معاصر"، تألیف "ویلیام اینشتاین" و "ادوین

ناگللمان" ترجمه: حسینعلی نودری، نشر گستره، ۱۳۶۹ - لازم است به نکات ذیل توجه

نمائید :

۱ - با توجه به زمان تحریر کتاب و حوادثی که در چند سال اخیر، چهره سیاسی -

اقتصادی جهان را دگرگون نموده، بسیاری از داوربها و تحلیلهای مندرج در این کتاب

نیاز به بازنگری و تغییر دیدگاه دارند .

آنچه در این کتاب حائز اهمیت است و خواننده باید بدان توجه نماید دیدگاه تاریخی

نویسندگان کتاب در تحلیل نظریه‌های سیاسی و اقتصادی است . همین امر باعث می‌شود که

گرچه جریان حوادث چند ساله اخیر موجب تحولات شگرف در ساختار سیاسی - اقتصادی

جهان شده، مطالب کتاب همچنان قابل استفاده و مطالعه باشد .

۲ - زیر نویسها و یادداشتهای عالمانه و محققانه مترجم در توضیح پاره‌ای اصطلاحات

و مفاهیم و اشارات متن کتاب به بعضی حوادث تاریخی و معرفی شخصیت‌های سیاسی و اقتصادی

وارجاع به اهم منابع مطالعه تکمیلی در هر مبحث، حائز کمال اهميت است. مرور اين ياد -
داشته‌پيش از مطالعه متن هر فصل، شما را آماده مي‌سازد تا به هنگام مطالعه، دقت و
تمرکز بيشتري بر روي متن اصلي داشته‌باشيد.

۳ - چون در بعضي موارد، اصطلاحات و لغات و اعلام، توضيح لازم داده نشده مبادرت
به تهيه فرهنگ اصطلاحات کرده‌ايم (ضميمه جزوه درسي) که در رفع اين ابهام شما را
ياري نمايد.

۴ - از آمارها، تاريخ تحرير کتب و تاريخ حوادث و وقايع، سوءالي در امتحانات نخواهد
آمد مگر آن دسته از حوادث که تأثير عمده و اصلي در تحولات سياسي و اقتصادي داشته‌اند.
۵ - با توجه به اين نکته کهديد گاههاي نويسندگان کتاب وياد داشته‌هاي مترجم، هيچ
يك از اعتبار مطلق برخوردار نيستند، بايد در حين مطالعه کتاب، ديد گاههاي انتقادي
خود را حفظ کنيد و حتي المقدور با ديگر افراد - بخصوص همدرسان خود - درباره نظرات
مطروحه به بحث و تبادل نظر پردازيد و از رد يا قبول جزمي و تحقيق نشده آراء و عقايد
پرهيز نمايد.

آنچه در مطالعه انتقادي مي‌تواند دانشجوي بهائي را کمک نمايد، مراجعه به آثار
مبارکه هياکل مقدسه و دستخطها و پيامهاي معهد اعلي درباره حوادث و تحولات قرن
اخير و مطالعه و تدقيق در آنهاست. بسياري از اين آثار را قبلا در ضمن دروس ديگر
مطالعه نموده‌ايد. منتخباتي از اين آثار تحت عنوان "نظم بديع جهان آراي حضرت
بهاءالله و ديگر انظمه سياسي جهان" آمده است که جز برنامه مطالعه شما قرار دارد.
۶ - پيشنهاد مي‌شود مقدمه کتاب - به قلم "دکتر بشيريه" - را پس از مطالعه
فصل سوم - "کاپيتاليسم" - مطالعه کنيد تا با نقد ديدگاه نويسندگان بهتر آشنا شويد.
۷ - قسمتهای زیر از برنامه مطالعه کتاب - و در نتيجه امتحانات - حذف گرديده
است:

- بخش اول : فصل دوم / صفحات ۵۵ تا ۸۰ .

- بخش دوم : فصل سوم / صفحات ۱۸۳ تا ۱۹۲ .

۸ - منبع ذيل براي مطالعه تکميلي پيشنهاد مي‌شود :

* تافلر، آلوين - "جابجائي در قدرت" - ترجمه : شهيد خت خوارزمي - ناشر : مترجم -

۱۳۷۰ - ۲ جلد (جلد اول : اقتصاد / جلد دوم : سياست) ۸۳۳ ص .

شیوه نامه انجام تکالیف نوبتی
و امتحانات رسانی نظمه سیاسی

نمره	زمان ارسال		
۵	پایان هفته چهارم	بخش اول : کمونیسیم	۱ تکلیف نوبت اول
۵	پایان هفته هشتم	بخش دوم : فاشیسم	۲ تکلیف نوبت دوم
۳۰	هفته نهم	از بخش اول و دوم کتاب و نظم بدیع جهان آرای حضرت بهاء الله	۳ امتحان میان ترم
۵	پایان هفته سیزدهم	بخش سوم : کاپیتالیسم	۴ تکلیف نوبت سوم
۵	پایان هفته هفدهم	بخش چهارم : سوسیالیسم	۵ تکلیف نوبت چهارم
۵۰	هفته هیجدهم	از بخش سوم و چهارم کتاب	۶ امتحان پایان ترم

دانشجوی عزیز روش کار و نحوه انجام تکالیف نوبتی و سوالات تکالیف نوبتی
از آغاز نیمسال ۱۵۲/۲ بشرح ذیل تغییر کرده است :

تکالیف نوبت اول و سوم و چهارم را طبق سوالات مطروحه پاسخ داده و بر اساس
زمان بندی تعیین شده ارسال خواهید داشت .

تکالیف نوبت دوم :

در مورد تکالیف نوبت دوم که از بخش دوم کتاب " فاشیسم " می باشد سوالاتی مطرح
نگردیده و انجام این امر بعهده شخص دانشجوی عزیز واگذار شده است .
لطفاً چهار سوال از مجدوده بخش دوم " فاشیسم " با توجه به نکات ذیل طرح و
بدان پاسخ دهید :

- پراکندگی سوال از تمام بخش دوم (فاشیسم با استثنای قسمتهای حذف شده) باشد .
- سعی و اهتمام نمائید کیفیت طرح سوالات همانند تکالیف نوبت اول و سوم و چهارم
باشد .
- توانائی شما در طرح سوال با توجه به آشنائی و احاطه شما به مباحث و مطالب
کتاب مورد نظر بخش می باشد و در همان حد انتظار می رود .

تذکرات :

- ۱- در امتحان میان ترم سوالات با پاسخ کوتاه ، تشریحی - و احتمالاً تحلیلی از دو
بخش اول و دوم و نظم بدیع جهان آرای حضرت بهاء الله خواهد بود . این امتحان ۳۰
نمره از یکصد نمره درس را دارد .

۲- تکالیف نوبتی : هر تکلیف ۵ نمره و چهار تکلیف جمعا ۲۰ نمره از یکصد نمره درس را دارد.

۳- امتحان پایان ترم : از بخش سوم و چهارم کتاب بوده و از میان ترم سؤالات طرح نمی گردد. سؤالات کوتاه جواب ، تشریحی و احتمالات تطیلی خواهد بود. این امتحان ۵۰ نمره از یکصد نمره درس را دارد.

۴- از زیرنویسها - یادداشتهای مترجم در امتحان سؤالات طرح نخواهد شد. ولی بعضی اصطلاحات مهم درس که در متن درسی بررسی شده و بکار رفته است ممکن است در امتحان مورد سؤالات واقع شود.

۵- مطالعه زیرنویسهای درس و یادداشتهای مترجم سطح درک و استنباط شما را افزایش داده و در جواب به سؤالات توانائی لازم را به شما خواهد داد.

۶- در جواب به سؤالات تکالیف نوبتی جداً از رونویسی مطالب کتاب عیناً پرهیز گردد. و از توانائی قدرت تحلیل و استنباط خود که ناشی از مطالعه عمیق شما می باشد استفاده بنمائید.

۷- کمیت جواب بهر سؤالات تکالیف نوبتی در صورت لزوم از حد ۱۵ سطر تجاوز نگردد. باین امر توجه لازم بشود.

۸- در نقاطیکه دانشجویان زیاد و بعضا با تشریک مساعی یکدیگر به مطالعه درس و انجام تکالیف نوبتی می پردازند امید است اخلاق و شیوه بهائی در جواب به سؤالات تکالیف همیشه مدنظر عزیزان باشد و در مورد طرح سؤالات از بخش دوم گر چه امکان دارد (احيانا) سؤالات مشابه توسط دانشجویان عزیز طرح گردد ولی جواب بـدان سؤالات لزوماً مشابه نبایست باشد.

تکالیف نوبت اول : مهلت تحویل، پایان هفته چهارم

۱- تحلیل مارکس از مفاهیم ذیل و روابط بین آنها را تشریح فرمائید:

جامعه، انسان، قدرت، مالکیت

۲- نظریه مارکس، در مورد علل و عوامل اقتصادی تغییر و تحول اجتماعی بیان، و استدلال نمائید بر اساس چه مکانیزم هائی مارکس انقلاب را تنها راه ممکن برای خروج از بن بست عملکرد این دو عامل می داند.

۳- ریشه و مفهوم از خود بیگانگی (الیهاسیون) را در مکاتب مختلف مذهبی، فلسفی و مادی (آنچه که در کتاب مذکور است) بررسی، مقایسه، تحلیل و نتیجه گیری نمائید.

۴- دیکتاتوری " پرولتاریا " یکی از سه اصل اساسی و محوری مهم ایدئولوژی کمونیسم

محسوب می شود. این اصل در کدامین انقلاب های مهم کمونیستی جهان قبول و بینه اجراء درآمد و در کدام یک از انواع کمرنیزم این دیکتاتورری مردود اعلام و چینه مفهوم یا مقوله ای جایگزین آن گردید توضیح دهید.

تکلیف نوبت دوم : مهلت تحویل، پایان هفته هشتم

سوالات این تکلیف (چهار سوال) توسط دانشجو از بخش دوم کتاب (فاشیسم) با توجه کامل به توضیحات صفحات ۸ و ۹ طرح و جواب داده خواهد شد.

تکلیف نوبت سوم : مهلت تحویل، پایان هفته سیزدهم

- ۱- در حال حاضر آخرین مرحله پیشرفت اقتصاد، که اقتصاد مابعد صنعتی است، بنام اقتصاد خدمات معروف است. این نوع اقتصاد را بطور موجز و مستدل تشریح، و اقتصاد پلورالیستی جدید را در ارتباط با این نوع اقتصاد (تا حد ارتباط این دو مفهوم) توضیح دهید.
- ۲- دموکراسی به مفهوم غربی آن را تعریف، و برای آنکه یک دموکراسی دارای عملکردی خوب و موفق باشد چه شرایطی را می بایست دارا باشد.
- ۳- جنگ سرد، تنش زدائی، همزیستی مسالمت آمیز این سه پدیده سیاسی در کدام دهه های قرن بیست حادث در صورت امکان تعریف و هر یک را تا حد چهار نظر توضیح دهید. با توجه به سرانجام هر یک.
- ۴- در سرمایه داری مدرن امروزی قدرت در دست کدام یک از گروه های مذکور است : مالکین سرمایه، یا مدیران، تنگناها و تضیقات سرمایه داری مدرن امروز را توضیح دهید.

تکلیف نوبت چهارم : پایان هفته هفدهم

- ۱- نقطه نظرات سوسیالیستها و کمونیستها را نسبت به مفاهیم: قدرت سیاسی، مالکیت عمومی، جابجائی در قدرت، و مقوله پرولتاریا بطور مستدل بیان و تشریح شود.
- ۲- لیبرالیسم یکی از مفاهیم مهم در علم سیاست و اقتصاد است. این مقوله را که یکی از منابع مهم سوسیالیسم نیز محسوب می شود توضیح، و استدلال نمائید چرا کلید احزایی که تحت این نام معروف و با ویژگی های مربوط به این مقوله فعالیت نموده و می نمایند، حرکتشان توأم با موفقیت در بدست گرفتن قدرت سیاسی نیست.
- ۳- در دو دهه اخیر آرمان های سوسیالیسم دیگر دارای جذابیت و گیرائی و کاربرد چند دهه قبل از آن نیست و تقریباً دچار بن بست گردیده علت های این امر را مشخص

و مورد بمورد توضیح دهید.

۴ - کشورهای در حال توسعه، یک نوع شیوه و روش حکومت سوسیالیستی را مدل و الگوی نهادهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ... قرار داده‌اند: الف: این نوع حکومت سوسیالیستی از کدام نوع است: کمونیستی است؟ سوسیالیسم اروپائی است، یا مقوله دیگر؟

ب- ممیزه‌های این پدیده و روش حکومت در کشورهای سوسیالیستی در حال توسعه را ذکر و توضیح دهید.

نظم بدیع جهان آرای حضرت بهاء الله

و دیگر

انظمه سیاسی جهان

"طوبی لِمَنْ یُنظِرُ اِلٰی نَظْمِ بِهَاءِ اللّٰهِ"

"حضرت باب" ۱

" . . . بشریت درمانده باید بسوی این هدف یعنی استقرار نظم بدیع و جهانی تلاش کند نظمی که مبدأش الهی است و نظرگاهش عموم عالم انسانی . مبادیش مبتنی بر عدالت است و خصائصش انظمه سیاسی عالم را به مقابله میطلبد ."

زمان آن فرا رسیده است که نگرشی واقع بینانه و توجهی دقیق به مسیر حوادث و وقایع و اتفاقات و تحولات و انقلابات داشته باشیم. وقایعی که عالم انسانی بویژه در چند سال - اخیر شاهد وقوع پی در پی آن بوده است . ملاحظه مینمائیم که هر کدام از این حوادث و وقایع و تحولات دارای اثرات وسیع و همه جانبه در بهم ریختگی و فروپاشی انظمه‌ای است که از حدود چند قرن پیش و بتدریج در جهان کنونی حاکم گشته‌اند . و آنچنان لرزه‌ای بر اعمده انظمه سیاسی افتاده که تعدادی از این نظام‌های سیاسی بکلی متروک و منسوخ گشته ، مانند فاشیسم و نازیسم، و بعضی دیگر نه تنها کارآئی و کاربرد خود را تقریباً بطور کامل از دست داده‌اند بلکه بکلی در پی تغییر ماهیت خود میباشند و به طرق و اشکال گوناگون سعی بر آن دارند که حداقل ماهیت وجودی خویش را بنوع و شکلی حفظ نمایند ، مانند کمونیزم ، و مصداق این بیان مبارک حضرت بهاء الله میباشند .

"إِذَا تَمَّ الْمِيقَاتُ يَظْهَرُ بَغْتَةً مَا يُرْتَعَدُ بِهِ نُورَانِ الْعَالَمِ"

برای العین مشاهده میکنیم که امروز صحبت از برقراری و ایجاد "نظم نوین جهانی" میشود. تمام بزرگان ، سیاستمداران ، و اندیشمندان جهان علم و سیاست از آن صحبت میکنند ، ولی خود بد رستی نمیدانند که چرا و چطور باین نقطه عطف رسیده‌اند و حال که زمان برای ظهور و بروز و ایجاد آن مساعد شده است چه میخواهند ؟ و در پی ایجاد چگونه نظمی برای چه نوع جهانی با چه مشخصه‌ای میباشند ؟ با توجه به اظهار نظر بعضی از منصفان امور سیاسی کشورهای بزرگ جهان امروز ، این نکته روشنتر میگردد .

لارنس ایگلبرگر (معاون وزارت امور خارجه ایالات متحده آمریکا) :

" من نمی‌توانم برای شما تشریح کنم که نظم نوین جهانی شبیه چه چیزی خواهد بود ."
ادوارد شوارد نادره (وزیر امور خارجه اسبق اتحاد جماهیر شوروی) :

" چه بخواهیم و چه نخواهیم من نماینده کشوری هستم که نتوانست به اهداف و

۱ - کتاب جال و آینده جهان .

۲ - کتاب حال و آینده جهان .

خواسته‌های خود دست یابد. تلاش کشور من برای ساختن "انسان نوین"، "جامعه نوین"، "روش نوین" و سرانجام یک "نظم نوین" حداقل در دایره نفوذ خودش ناکام مانده.
- گیتزلیتس (معاون مشاور امنیت ملی جرج بوش، رئیس جمهور آمریکا):

"ما هنوز نمی‌دانیم که صحنه شطرنج دقیقاً چگونه شکلی خواهد داشت."
- زیگنیو برزینسکی (مشاور امنیت ملی جیمی کارتر، رئیس جمهور اسبق آمریکا):

با پذیرش مبهم بودن نظم نوین جهانی می‌گوید: "واقعاً" نمی‌دانم معنای آن چیست؟
- در اگلاس هرد (وزیر امور خارجه انگلستان):

"ماه‌هیچ طرحی برای نظم نوین جهانی نداریم، ایالات متحده آمریکا هم ندارد و تا آنجا که من می‌دانم طرحی فرانسوی یا روسی برای آینده وجود ندارد."
(به نقل از "صفحه اول" / سال اول - شماره اول)

اهل بهاء که ناظر و شاهد این جریانات عظیم و بس بزرگ و خطیر می‌باشند با توجه به آثار مبارکه باید به بطن و کنه علل و عوامل بوجود آورنده این تحولات عمیق که با سرعت دائم - التزاید در حال اتفاق افتادن است پی برند و واقف و آگاه گردند.

برای رسیدن باین آگاهی، پیوندگان و جویندگان علم و دانش "سیاست" در برابر این سؤالات قرار می‌گیرند که باید برای آنها جواب کافی و مناسب بیابند:

۱ - آیا دیانت حضرت مسیح مبدع و موجد "نظمی" برای دنیای زمان خود "دوره مسیحیت" بوده است یا خیر؟

۲ - دیانت اسلام و حضرت محمد رسول الله در این باب حاکم چه پیامی برای نوع بشر و دوره خود بوده؟

۳ - در دو سه قرن اخیر که مقارن با زمان ظهور حضرت باب و حضرت بهاء الله بوده و قرون انقلابات صنعتی و اجتماعی و عقیدتی نام گرفته، چه نوع نظام‌هایی بر دنیا حاکم بوده و یا از بطن آن نظام‌هایی بیرون آمده و سرانجام بنظمی حاکم مبدل گشته‌اند؟

۴ - در حال حاضر چه نوع نظام‌های سیاسی بر جهان حکومت مینماید و این انظمه سیاسی در چه حالتی از استحکام و قوام و پویایی هستند؟

۵ - آیا سرانجام و در غایت امر به "نظم بدیع الهی" یا نظم جهان آرای حضرت بهاء الله نخواهیم رسید که می‌باید در میقات مقرر بر اعلی قلل مدنیت عالم و بر ویرانه‌های انظمه سیاسی جهان برافراشته گردد؟

۱ - دوره دیانت مسیح

حضرت ولی امر الله در توقیع "قد ظَهَرَ یَوْمَ المِيعَادِ" (ص ۷۴) چنین می‌فرمایند: "... ظهور حضرت مسیح در مرحله اولی منعطف بنجات فردی و تخلّق باخلاق جدیدی بوده و موضوع اصلی آن تأکید در لزوم ایجاد یک پایه عالی اخلاقی و انتظام در وجود انسان است

که عضو اصلی جامعه بشر میباشد چنانکه در هیچ جای انجیل ها اشاره بوحدهت ملل یا اتحاد کلی نوع بشر پیدا نمیتوانیم کرد . هنگامیکه حضرت مسیح با اطرافیان خود صحبت میکرد در رتبه اولی بآنان از لحاظ افراد و نه از لحاظ اجزاء مرکبه یک هیئت جهانی و غیر قابل تقسیم خطاب مینمود . در آن موقع تمام سطح زمین هنوز کشف نشده بود و بنابراین تشکیل تمام امم و ملل آن بصورت هیئت واحد ممکن نبود در نظر گرفته شود تاچه باینکه اعلام و استقرار یابد .

۲ - دوره دیانت اسلام

حضرت ولی امرالله در مورد دوره دیانت اسلام در توفیق قد ظهر یوم المیعاد (ص ۷۵) باین بیانات عالیه ناطق: "شریعت اسلام یعنی حلقه بعدی در سلسله شرایع الهی چنانکه حضرت بهاءالله خود شهادت داده این فکر را که ملت هیئت واحده و مرحله حیاتی در تشکیل جامعه انسانی است تلقین کرده و در تعالیم آن مندرج گردیده است. اینست در حقیقت مفهوم بیان موجز ولی پرمعنی و روشن حضرت بهاءالله که میفرماید "از قبل فرموده اند: حب الوطن من الایمان" ، این اصل را بقدریکه تکامل جامعه انسانی در آن موقع اقتضا داشت رسول الله تبیین و تأکید نمود . در آن زمان ممکن نبود مرحله بالاتر یا پست تری در نظر گرفته شود زیرا اوضاع دنیا برای استقرار تشکیلات عالی تر هنوز آماده نشده بود . با دقت و امعان نظر در بیانات مبارکه، ملاحظه میگردد که شریعت حضرت محمد نسبت به تعالیم حضرت مسیح دارای شمولیت بیشتر میباشد و آن "فکر ملیت و وصول بمقام ملیت" است که میتوان گفت "از خصائص مشخصه دیانت محمدی بوده که در دوره آن ملل و اجناس عالم مخصوصاً در اروپا و آمریکا متحد شدند و استقلال سیاسی را حائز شدند" ۱

۳ - قرون معاصر

از قرن هفدهم به بعد که دنیا با شروع انقلاب صنعتی و پیشرفت صنعت و تکنولوژی و - صنعت چاپ و نیروی بخار و کشف راههای دریائی و برقراری ارتباط سریعتر بین کشورها و قاره های جدید و قدیم و کشف سرزمینهای تازه و تشکیل دول معظم و امپراطوریهای قدرتمند که پارا از محدوده سرزمینهای خود فراتر نهاده، بصورت دول استعمارگر و سیطره و استیلا بر دیگر کشورها یافتند و با نفوذ در دولت های دیگر آنها را بنوعی تحت انقیاد خود در آوردند؛ بتدریج نظامی جدید توأم با تکامل بیشتر بر جهان متمدن آن روز مستولی گردید که بنظام سرمایه داری نئوکلاسیک (New Classic) و سپس به نظام سرمایه داری کامل و تمام عیار معروف گردید .

همزمان با مستقر شدن نظام سرمایه داری در اکثر کشورهای صنعتی و پیشرفته ویا روبه پیشرفت دنیا (همانطورکه در کتاب "مکاتیب سیاسی معاصر" ملاحظه خواهید کرد) مکتب های

(۱) قد ظهر یوم المیعاد - ص ۷۵ .

سیاسی جدیدی ابداع و پایه‌گذاری شد که هر کدام بسته به ماهیت و نوع و روش جهان بینی خود
نظمی را بر کشورهای جهان حاکم ساختند. این نظام‌های سیاسی عبارتند از کاپیتالیسم
(سرمایه‌داری)، کمونیسم (سیستم اشتراکی)، فاشیسم (سیستم دیکتاتوری ضد پارلمانی) و
سوسیالیسم (اجتماعی).

با توجه به روند تاریخی و حوزه عمل هر یک از این انظمه‌های سیاسی ملاحظه می‌شود که هیچ
یک از آنها با وجود داشتن داعیه‌های جهانی، در عمل دارای فراگردی محدود بوده‌اند
و نظمی که برای خود دوره هزارساله پیش بینی میکرد با طوفان جنگ جهانی دوم، که خود
برانگیزنده آن بود، طومارش در هم پیچیده شد و بکلی نابود شد.

۴ - زمان حال یا دنیای کنونی

زمان حال آئینه تمام نمای دیگری از واقعیت‌های اروپای غربی است. نظام سیاسی حاکم بر جهان است.
"کیان کیچن، وزیر خارجه چین کمونیست، چنین می‌گوید: "در طی یکسال گذشته وضعیت
بین‌المللی شاهد تغییرات شگرفی بوده است که جالب توجه است. نظام جهانی پیشین فروپاشیده و
نظام جدیدی در حال شکل‌گیری است. جهان هم اکنون یک دوره انتقالی را پشت سر می‌گذارد
و در این دوره ساختار کهن در شرف جایگزینی بوسیله ساختار جدید است."
بنابراین برای العین شاهدیم که یکی دیگر از انظمه چهارگانه و حاکم بر قسمتی مهم از
جهان (حدود ۱/۳ جمعیت جهان) بکلی فروپاشیده و در حال دگرگونی بنیانی می‌باشد.
(مقصود نظام کمونیستی می‌باشد) که گفتار وزیران خارجه دو دولت از بزرگترین کشورهای
کمونیستی در جهان چه از نظر وسعت و چه از نظر جمعیت گواهیست صادق بر این امر و
امروزه بیش از ۲/۵ کشورهاییکه تا دو سال پیش نظام کمونیستی بر آنها حاکم بود از زیر یوغ آن
آزاد شده و آن را بدور انداخته‌اند و دیگر کشورهاییکه این سیستم را دارند خود در صد
اصلاحاتی در ساختار آن می‌باشند که بتوانند آن را حفظ نمایند و بعید نیست در آینده
نزدیک آن را منسوخ کنند و به کناری نیکنند. "لابد برای این است".

حضرت ولی امرالله در توفیق قد ظهریوم المیعاد در سال ۱۹۴۱، درست در زمان اوج و
پیشرفت نهضت فاشیسم، "ناسیونال سوسیالیست"، آلمان و ایتالیا در جنگ جهانی دوم با این
بیان گویا و واضح، ناقوس مرگ دو مکتب سیاسی کمونیستی (مرام اشتراکی) و فاشیستی (مرام و
ایدئولوژی برتری نژادی که هر یک به پیروزی خود امیدوار بودند تحت عنوان "خدایان سه‌گانه"
دروغین" بصدا درآوردند. "آن روح حیات بخش در شرف زوال، آن سبب اعظم مورد
سخریه قرار گرفته، آن نور مبین تاریک شده و آن حصن متین متروک افتاده و آن جامه زیبا
دور انداخته شده است، نفس الهی از اعراض قلوب متنازل و یک دنیای بت پرست از روی
بوالهوسی و با غوغای تمام بد رود و ستایش خدایان دروغین برداخته است که هواهای نفسانینش
از روی بی شعوری خلق نموده و ایادی مضله وی با کمال بیداری بلند کرده است بت‌های

عده ای که در معبد نامقدس نوع انسانی مورد پرستش قرار گرفته خدایان سه گانه "ملیت" و "جنسیت" و "اشتراکی" که دول و ملل دموکرات ویا دیکتاتوری در صلح ویا در جنگ در مشرق یا مغرب و مسیحی یا مسلمان باشکال مختلفه و بدرجات متفاوته عتبه آنها را پرستش میکنند، اساقفه آنها سیاسیون و علمای مادی که معروف بحکمای قرن کنونی هستند و قربانی آنها گوشت و خون گروههای مردمی است که کشته میشوند و سرود و ورد آنها شعائر عتیقه و مناسک مضره و فبیحه و بخور آنها آه و غم و محنتی است که از قلوب جریحه محرمان و عاجزان و بی پناهان متضاعد میشود تا مرامها و سیاستهای بس سقیمه و مضره که پایه حکومت را بمقام الوهیت رسانده و ملت را فوق عالم انسانی میستایند و میخواهند نژادهای دیگر دنیا را تابع نژاد واحد قرار دهند و میان نژاد سیاه و سفید تبعیض قائل شود و تجویز میکند که یک طبقه بخصوص بر تمام طبقات دیگر تسلط داشته باشد، اینها عقائد ظلمانی و ناروایی هستند که هر کس یا ملتی که بآنها عقیده مند است یا بر طبق آنها عمل میکند دیر یا زود به غضب و مجازات الهی مبتلا خواهد شد.

حال عیب ظاهر بردنیای کنونی و نظم سیاسی که دارای قدرت فائده میباشند حکومت مینمایند یکی نظام سرمایه داری "کاپیتالیستی" و دیگر نظام اشتراکی "کمونیستی" و لسی در اصل امروز نظام سرمایه داری است که بصورت قدرت فائده، ویکه تاز میدان شده است. تمدن مادی غرب که عاری از روح معنویت میباشد و از مدتها پیش به سستی و رخوت و فساد مالی و جنسی کشیده شده، آنها را روبرو و نابودی است.

حضرت ولی امرالله تحت عنوان ضعف ارکان دیانت در توقیع قد ظهر یوم المیعاد باین بیان احلی ناطق "نه تنها بیدینی و زاده عجیب آن یعنی بلیه سه گانه که اکنون روح عالم انسانی را معدب ساخته مسئول عوارض شومی است که عالم را بصورت بس خطرناکی فرا گرفته بلکه مفسد و معایب دیگری که اغلب آنها از عواقب مستقیم ضعف ارکان دیانت میباشند، عوامل مساعده آن گناه چند جانبه بشمار میروند که افراد ملل بدان محکوم گشته اند. علائم انحطاط اخلاقی که نتیجه تنزل دیانت و اعتلای این بت های غاصبیه میباشد بحدی متعدد و روشن است که حتی اگر کسی بنظر سطحی در اوضاع جامعه کنونی بنگرد از درک آن محروم نخواهد ماند، اشاعه فکر مخالفت با قانون، و باده نوشی و قمار و جنایت و میل مفراط بعیاشی و مکت و شئونات دنیوی و سستی در اخلاقیات که منجر به ترک مسئولیت در امر ازدواج و ضعف نظارت والدین و کثرت امر طلاق و انحطاط پایه معارف و مطبوعات و حمایت از عقایدی که صرفاً منافی امر طهارت و اخلاقیات و نجابت است تمام این علائم و تدنی اخلاقی که بر مشرق و غرب هر دو استیلا یافته و در هر صنف و طبقه و جامعه رخنه و نفوذ کرده و سموم خود را در اعضای جامعه ام از زن و مرد و جوان و پیر تزریق نموده اینها تمام طومار سیاهی است که عیوب متعدده نوع بشر تبسه کار بر آن ثبت بوده سیاه تر کرده است. لهذا تعجبی نیست که حضرت بهاء الله طبیب ملکوتی چنین فرموده باشد: در این روز ذائقه ناس تغییر کرده و قوه

ادراک آن تبدیل یافته اریاح مخالفه دنیا و رنگهای آن ایجاد زکام نموده و شامه مردم را از نفعات طیبه ممنوع ساخته".

این تمدن مادی نظم حاکم جهان مانند جسدی است بدون روح و قوه ملکوتی، با تمام سعی وجدیت و کوششی که مینماید و با وجود نیروی عظیم اقتصادی و اجتماعی و نظامی که بر بیش از $\frac{3}{5}$ کره ارض مسلط گردیده دارای آن چنان معایب و نواقص واضح و مفاسد بیشماری میباشد که با وجود آنکه بصورت ملل متحد در چهار چوب سازمانی جهانی متشکل گردیده است باز عاجز از نابود کردن شیخ جنگ و تحدیدی است که متوجه انهدام نظم اقتصادی و سیاسی جهان میباشد. و طوفان بلا که بر این انظمه سیاسی نرود آمده هر یومی یکی را بطاق نسیان میسپارد بدین جهت است که متولیان و سردمداران این نظامها ندادند که در پی ایجاد "نظم نوین جهانی" هستند و همانطور که در ابتدای امر ذکر گشت هنوز خود بدستی نمیدانند در پی ایجاد چگونه نظامی باید باشند.

"نظم بدیع جهانی"

یا

نظم جهان آرای حضرت بهاء الله

آیا این نظم نوین که بزرگان جهان در پی آن دوان هستند میتواند جز نظم بدیع الهی نظم دیگری باشد؟

آیا زمان و میقات آن فرا نرسیده که اعمده این نظم جهان آراء بر روی ویرانه های انظمه کنونی مرتفع گردد؟ بنظر میرسد که چنین است زیرا تمام شواهد و قرائن و وقایع و تحولات و - انقلابات که پی در پی در دنیای کنونی ماد رحال وقوع هستند، خود مدل بر صدق این مدعا میباشد.

چگونگی تولد نظم بدیع الهی

در تاریخ ترین و مظلم ترین ایام تاریخ ایران بنا بفرموده حضرت ولی امرالله "طلعت اعلی و جمال اقدس ابهی در مقام اول کشور ایران را از آن لحاظ مطلع انوار و مشرق آشار و مکن اسرار ظهور مقدس خویش اختیار فرمودند که مردم این آب و خاک بنحوی که مکرر از قلم مرکز عهد و میثاق الهی تبیین شده است در اعماق غفلت و دوری از حق و حقیقت متفرق بوده چند آنکه در آن اوان در بین اقوام و ملل معاصر مشابه و مماثلی در جهان تمدن نداشته است".

و نیز در زمانیکه جهان صنعتی آن روز در تنگناهای اقتصادی و تبعات ناشی از توسعه انقلاب صنعتی قرون ۱۸ و ۱۹ دست و پا میزد و عرصه ظهور و بروز افکاری نو و ستیزه طلب انقلابی در برابر نظم موجود خود بود حضرت ربّ اعلی مبشر دیانت بهائی و شارع دیانت بایی با بیان "طوبی لمن یبصر الی نظم بهاء الله..." و حضرت بهاء الله با اعلام اصل "وحدت

عالم انسانی" بعنوان دومین تعلیم از تعالیم دوازده‌گانه که در مورد اهمیت این اصل حضرت ولی امرالله در توفیق هدف نظم جهانی بهائی مورخ ۲۸ نوامبر ۱۹۳۱ چنین میفرمایند: "باید اشتباه نشود که اصل وحدت عالم انسانی که محور جمیع تعالیم حضرت بهاءالله صرنا" منبعث از اظهار احساساتی ناسنجیده و بیان امیدیه مبهم و نارسا نیست و نباید آنرا منحصرنا" ناشی از آرزوی احیاء روح اخوت بشری و خیرخواهی بین مردم انگاشت و هدفش را فقط در این دانست که بین افراد بشر و ملل و اقوام تعاون و تعاضدی حاصل گردد بلکه مقصدش بسیار برتر و دعویش بسیار عظیم تر از آنستکه حتی پیامبران پیشین مجاز به بیانش بوده‌اند، پیامش فقط متوجه افراد نیست بلکه بر روابط ضروریهای نیز متوجه میشود که ممالک و ملل را بهم پیوند میدهد و عضو یک خانواده بشری مینماید و چنان نیست که فقط — برای اعلان کرده باشد بلکه با تشکیلات و مؤسساتی همراه و پیوسته است که آن تشکیلات حقیقت ذاتی و وحدت عالم انسانی را تجسم می‌بخشد و صحت و اعتبارش را نمایان و تأثیر و نفوذش را جاودان میکند، و نیز مستلزم آنستکه در بنیان جامعه کنونی تغییراتی حیاتی "ارگانیک" صورت پذیرد که شبهش را چشم عالم ندیده‌است. . . ."

"حضرت بهاءالله بانی نظم بدیع جهانی"

حضرت ولی امرالله در توفیق ۳۱ مارس ۱۹۳۰ در خصوص چگونگی و تشریح نظم بدیع جهانی چنین فرموده‌اند "باید دانست که حضرت بهاءالله فقط روحی جدید در کالبد بیجان عالم امکان ندیده و فقط کلیاتی را از اصول عمومی بیان ننموده و فقط فلسفه مخصوصی را عرضه نکرده‌است بلکه علاوه بر آن‌ها حضرت بهاءالله و بعد از ایشان حضرت عبدالبهاء یک سلسله قوانین را وضع و مؤسسات مشخصی را ایجاد کرده و آن‌ها را که لازمه تأسیس یک مجتمع منظم الهی است بیان فرموده‌اند و چنین امری در ادیان گذشته هرگز سابقه نداشته‌است، به عبارت دیگر آن دو نفس مقدس برای تحقق نوایای عالیهای که موعود انبیای سلف و کانون الهام صاحبان و شاعران قرون پیشین بوده تنها به تعیین جهت و مسیر کلی قناعت نورزیده بلکه با بیانی صریح و قاطع و مؤسسه توأمان بیت العدل و ولایت امرالله را بعنوان جانشینان خویش معین فرموده‌اند که وظائفشان عبارتست از اجراء اصول و ترویج حدود و محافظه مؤسسات و تطابق حکیمانۀ امرالله با مقتضیات زمان و تحقق میراث مرغوب خلل ناپذیر بانی بنیان امر بیزدانی در عالم امکان".

دوستان عزیز آنچه که ما به الامتیاز دیانت بهائی از ادیان گذشته‌است همین نفس ایجاد و تأسیس مؤسسه توأمان "ولایت امرالله و بیت العدل اعظم" میباشد که در ادیان یهود، مسیحیت و اسلام بکلی سابقه نداشته‌است.

تفرقه و تشّت در کلیسا :

حضرت ولی امرالله در این خصوص در توفیق ۲۱ مارس ۱۹۳۰ چنین میفرمایند : شک و تردیدی نیست که علت اصلی این که وحدت کلیسای مسیح بکلی از هم پاشیده و خوارگی اول بنا نمودند ابتدا " مبتنی بر دستور صریح حضرت مسیح نبود و دستگاه کلیسا سندیت و کیفیتش به اشارات غیر مستقیمی مربوط میشد که با توجیهاتی چند از بعضی از گفته‌های مبهم و مختصر حضرت مسیح و منقول در انجیل اقتباس شده بود

اگر آباء کلیسا میتوانستند برای احتیاجات غاصبانه خویش که از هر جهت هدف نیز اعتراض گردیده محملی برینند و از حضرت مسیح راجع به تشکیلات آینده کلیسا و یا اختیارات - جانشینانش نقل قولی نمایند آنوقت البته میتوانستند آتش اعتراضات را خاموش سازند و وحدت کلیسا را محفوظ دارند اما هیئات که انجیل یگانه گنجینه کلام حضرت مسیح چنین پناهی را برای رهبران کلیسا در بر نداشت و آنان چون خویش را محاط به هجوم دشمنان دیدند ناچار سر تسلیم نهادند و بر تجزیه و تفرقه خویش تن در دادند

تجزی اسلام و ایجاد شعب و فرق در آن :

در مورد شریعت اسلام در همان توفیق میفرمایند : " اما شریعت اسلام هر چند از دین مسیح کاملتر و مقرراتش مشخصتر است اما در مورد جانشین حضرت رسول هیچ نوشته‌ای مکتوب یا دستور قاطعی که راهنمای پیروان و مروجان امر حضرت محمّد باشد در دست نیست و عدم هدایت در این مورد بوده است که این همه فرقه بندیها و اختلافات و تضادهائی را که سبب تجزی اسلام و سلب اعتبارش شده بسیار آورده است

لذا با این خصوصیات است که امتیاز ذاتی امر بهائی از دیگر ادیان الهی نمایان میگردد و با توجه با آثار مبارکه منزله از قلم حضرت بهاءالله بنیان گذار نظم بدیع جهانی و حضرت عبدالبهاء مهندس طراح این قصر رفیع البیان باید دانست که نظام دیانت بهائی بطوری ایجاد و پایه گذاری شده است که بفرموده حضرت ولی امرالله : " امر بهائی قادر است ، بموجب تدابیری که حضرت بهاءالله بنفسه تعبیه فرموده اند هر چه را که سبب ترقی و تقدّم است و امر بهائی را در صف اول نهضت های مترقی نگاه میدارد در خود جذب نماید و - آنها را جزئی از هیكل امرالله سازد

در همین زمینه حضرت بهاءالله در هشتمین ورقه از کلمات فردوسیه میفرمایند :

" آنچه از حدودات در کتاب بر حسب ظاهر نازل نشده باید امنای بیت عدل مشورت نمایند ، آنچه را پسندیدند مجری دارند آنه یلهمهم ما یشاء وهو الهمدیر العظیم

اهمیت مقام ولایت امرالله و بیت العدل اعظم :

حضرت عبدالبهاء در خصوص اهمیت مقام علو مکان و جایگاه دو مؤسسه رفیع البیان - این امر اعزّاتم در الواح مبارکه وصایا باین بیانات عالیه ناطق :

"ای یاران مهربان بعد از مفقودی این مظلوم باید اغصان وافنان سدره مبارکه و ایادی امرالله واحبای جمال ابهی توجه بفرع د و سدره مبارکه که از د و شجره مقدسه مبارکه انبیات شده و از اقتران د و فرع د و حه رحمانیه بوجود آمده یعنی (شوقی افندی) نمایند زیـــــرا آیت الله، وعصن ممتاز و ولی امرالله و مرجع جمیع اغصان وافنان و ایادی امرالله واحبای الله است و مبین آیات الله و من بعده بکرا" بعد بکر یعنی در سلاله او و فرع مقدس و ولی امرالله و بیت عدل عمومی که بانتخاب عموم تأسیس و تشکیل شود و در تحت حفظ و صیانت جمال ابهی و حراست و عصمت فائض از حضرت اعلی روحی لهما الفداست آنچه قرار دهند من عند الله است".

چگونگی تشکیل و بیان وظائف بیت العدل اعظم الهی :

در خصوص چگونگی تشکیل و تبیین وظائف بیت العدل اعظم حضرت عبدالبهاء در الواح مبارکه وصایا چنین میفرمایند: "اما بیت العدل الذی جعله الله مصدر کل خیر ومصونا" من کل خطا باید بانتخاب عمومی، یعنی نفوس مؤمنه تشکیل شود و اعضاء باید مظاهر تقوای الهی و مطالع علم و دانائی و ثابت بردین الهی و خیرخواه جمیع نوع انسانی باشند و مقصد بیت عدل عمومیت یعنی در جمیع بلاد بیت عدل خصوصی تشکیل شود و آن بیوت عدل بیت عدل عمومی انتخاب نماید این مجمع مرجع کل امور است و مؤسسی قوانین و احکامی که در نصوص الهی موجود نه.

و جمیع مسائل مشکله در این مجلس حل گردد و ولی امرالله رئیس مقدس این مجلس و عضو اعظم ممتاز لا ینعزل و اگر در اجتماعات بالذات حاضر نشود نائب و وکیل تعیین فرماید و اگر چنانچه عضوی از اعضاء گناهی ارتکاب نماید که در حق عموم ضرری حاصل شود ولی امرالله صلاحیت اخراج او را دارد بعد ملت شخصی دیگر انتخاب نماید این بیت عدل مصدور تشریعیست و حکومت قوه تنفیذه، تشریح باید مؤید تنفیذ گردد و تنفیذ باید ظهیر و معین تشریح شود تا از ارتباط و التیام این دو قوت بنیان عدل و انصاف متین و رزین گردد و اقالیم جنت نعیم و بهشت برین شود".

در مورد اینکه چه اموری مربوط به بیت العدل است و در باب چه مسائلی باید به تمشیت امور بپردازد حضرت عبدالبهاء در الواح مبارکه وصایا میفرمایند: "مرجع کل کتاب اقدس و هر مسئله غیر منصوصه راجع به بیت عدل عمومی، بیت عدل آنچه بالاتفاق و یا با اکثریت آراء تحقق یابد همان حق و مراد الله است، من تجاوز عنه فهو لمن احب الشقاق و اظهار النفاق و اعرض عن رب الميثاق، ولی مراد بیت العدل عمومیست که از طرف جمیع بلاد انتخاب شود یعنی شرق و غرب احبای که موجودند بقاعده انتخاب مصطلحه در بلاد غرب نظیر انگلیس اعضائی انتخاب نمایند و آن اعضاء در محلی اجتماع کنند و در آنچه اختلاف واقع یا مسائل مبهمه و یا مسائل غیر منصوصه مذاکره نمایند و هر چه تقرر یابد همان نص است، و چون بیت عدل واضح قوانین نهاد و معمول گردد ولی بعد از صد سال حال عمومی تغییر کلی حاصل

نماید اختلاف ازمان حصول باید بیت العدل ثانی تواند آن مسئله قانونیه را تبدیل بحسب اقتضای زمان نماید زیرا نص صریح الهی نیست واضح بیت العدل ناسخ نیز بیت عدل " حال که با اهمیت مقام و چگونگی تشکیل و انتخاب اعضاء بیت العدل اعظم الهی و وظائف و مسئولیتهای خطیر این مرکز و مقام منصوص امر الهی واقف و آگاه گشتیم باید باین امر مهم اشاره شود که تشکیلات امر بهائی را بنا بر فرموده حضرت ولی امرالله در توفیق مبارک مورخ ۱۹۲۹/۲/۲۷ " باید بمنزله آلت و وسیله دانست و نباید آن را بدل و جانشین آئین بهائی شمرد، تشکیلات بهائی مانند مجرائی است که در آن نعم و مواهب موعود حضرت بهاءالله جاری گردد، و از انجمادی که مانع ظهور قوای آزادی بخش آئین مقدس بهائی است جلوگیری نماید".

در حال حاضر که دومین سال از آخرین دهه قرن بیستم و مطابق با سال ۱۵۷۷ بدیع را میگذرانیم دنیا بدوران بلوغ اجتماعی خود قدم نهاده و مصداق این بیان مبارک حضرت ولی عزیز امرالله واقع شده " دیر یا زود باید مرحله مشابهی در بلوغ حیات اجتماعی نوع انسانی پدیدار شود و موجب ظهور و بروز آثاری اعجاب انگیز تر در روابط جهانی گردد و ظلم انسانی را بقوای مجتهد سازد که بتواند بمرور و دهور آنچه را برای فوز و وصول به سرنوشت عالی متعالی اوست تدارک بیند، اگر بد رستی عظمت دعوی رسالت حضرت بهاءالله را دریابیم بقین خواهیم کرد که پدید آمدن چنین مرحله بلوغی در نظام حاکم بشری با ظهور آئین بهائی پیوستگی خواهد داشت". و بر فرموده بیت العدل اعظم الهی در پیام وعده صلح جهانی مورخ اکتبر ۱۹۸۵ " صلحی که تحققش نوید تمام کتب مقدسه در هر دور بوده حال بدستیابی ملل عالم نزدیک گشته است این اولین بار در تاریخ جهان است که میتوان تمام کره زمین را با وجود اختلافات بیشمار مردمش بشکل یک واحد مجسم کرد پس استقرار صلح جهانی نه تنها امکان دارد بلکه اجتناب ناپذیر است".

ملاحظه میشود که سرعت تحقق و عود الهی از تصور ما خارج و تمام اتفاقات حوادث، جنگها، انقلابات که شاهد وقوع پی در پی آن میباشیم (که نمونه بارز آن تحول بس بزرگ و عجیب در مهد تولد کمونیسم و نروپاشی و سقوط آن فقط در طی یک هفته که در فاصله بین اواخر مرداد ماه ۷۰ و اوایل شهریور ماه ۷۰ با شاهد بودیم) ما را با استقرار صلح اصغر رهنمون میگرداند که سرانجام آن طلوع عصر ذهبی دور بهائی و استقرار نظم بدیع الهی در سرتاسر کره ارض خواهد بود و این بیان مبارک حضرت ولی امرالله هر چه زود تر مصداق پیدا کرده و عملی خواهد شد. " و چون دین بهائی در جمهور خلائق شرق و غرب نفوذ نماید و حقانیتش بقبول اکثریت مردم بعضی از کشورهای مستقل جهان درآید آنوقت بیت العدل اعظم بدروه قدرت و سلطه خود خواهد رسید و بعنوان اعلی مقام ممالک متحده بهائی جمیع حقوق و وظائف و مسئولیتهای متعلق به یک حکومت علیای جهانی را بعهده خواهد گرفت".

در پایان از خداوند متعال تمنا و آرزو داریم که ما را در انجام تحقق وعده‌های
الهیش یاری و کمک نماید تا بتوانیم در این راه خطیر و بس‌عظیم هر چند قدمی کوچک برداریم.

پایان

پیش از استفاده از این فرهنگ، به نکات زیر توجه کنید :

۱ - این مجموعه به شرح و توضیح آن دسته از اصطلاحاتی می‌پردازد که در کتاب "مکاتب سیاسی معاصر" یا اصلاً توضیحی داده نشده یا توضیحات کافی نیست، از این رو چنانچه اصطلاحی در این مجموعه وجود نداشت می‌توانید با استفاده از فهرستهای آخر کتاب (صص ۴۳۷-۴۴۵) توضیحات لازم را از متن کتاب یا زیرنویسهای آن بیابید.

۲ - در توضیحات هر اصطلاح ضمن استفاده از منابع معتبر، کوشیده‌ایم جانب اختصار را رعایت کنیم و تا آنجا که به پیوستگی مطالب لطمه‌ای وارد نیاید، مطالب اضافی را حذف نمائیم. (در این موارد علامت "... نشانه حذف مطلب است.)

۳ - در صورتی که به توضیحات بیشتری درباره اصطلاحات مندرج در این فرهنگ یا سایر اصطلاحات علوم سیاسی نیاز داشتید به مآخذ این فرهنگ که پس از "فهرست مختصر" آمده است، مراجعه نمائید.

۴ - در شیوه املأ و نشانه‌گذاری حتی‌الامکان از مآخذ پیروی کرده‌ایم. مختصر تصرفی که در بعضی موارد شده به منظور ایجاد یکدستی و هماهنگی بوده است.

۵ - در پایان توضیحات هر اصطلاح، نام مآخذ با عنوان مختصر و شماره صفحات، مشخص شده است. برای اطلاع از مشخصات کامل مآخذ به "فهرست مآخذ..." مراجعه کنید.

۶ - هر جا بر بالای اصطلاحی علامت ستاره (*) قرار گرفته، بدین معناست که آن اصطلاح در همین فرهنگ، توضیح داده شده است.

۷ - برای سهولت استفاده از این فرهنگ، در آغاز آن "فهرست مختصر اصطلاحات..." قرار گرفته است تا با پیدا کردن شماره مربوط به اصطلاح مورد نظر، توضیح آن را بسرعت بیابید.

۸ - معادل انگلیسی هر اصطلاح هم در "فهرست مختصر..." و هم در "فرهنگ اصطلاحات..." آمده است.

توجه: از مطالب مندرج در این فرهنگ، در امتحانات به هیچ وجه سوآلی نمی‌آید.

فهرست مختصر اصطلاحات کتاب "مکاتب سیاسی معاصر" (فارسی - انگلیسی)

Stoicism	۲۸- رواقیون (۱۶۹)	Aristocracy	۱- آریستوکراسی (۲۱۱)
Revisionism	۲۹- رویزیونیسم (۱۱۷)	Alternative	۲- آلترناتیو (۲)
Jesuite	۳۰- ژوزویت (۱۸۴)	Anarchism	۳- آنارشیزم (۱۸۰)
North Atlantic Treaty Organization	۳۱- سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) (۱۱۶)	Opportunism	۴- اپورتونیسم (۱۱۳)
Centralism	۳۲- سانترالیسم (۲۳۳)	Opposition	۵- اپوزیسیون (۱۷۰)
Secularism	۳۳- سکولاریسم (۲۳۹)	Authoritarianism	۶- اتوریتاریانیسم (۲۳۸)
Falange	۳۴- فالانژ (۱۸۶)	Authority	۷- اتوریته (۷۰)
Comintern	۳۵- کمینترن (۱۱۴)	Elitism	۸- اِلیتیزم (۱۴)
Cominform	۳۶- کمینفرم (۱۱۵)	Oligarchy	۹- الیگارشی (۲۳۸)
Corporatism	۳۷- کورپوراتیویسم (۶۲)	Intern	۱۰- انترن (۷۸)
Corporatism	۳۷- کورپوراتیسم (۶۲)	Individualism	۱۱- اند بوید و آلایسم (۲۳۱)
Cooperative	۳۸- کسوپراتیو (۵۷)	Humanism	۱۲- اومانیزم (۲۰)
Laic	۳۹- لائیک (۲۲)	Bourgeoisie	۱۳- بورژوازی (۳۴)
Laissez Faire	۴۰- لسه‌فر (۲۲۰)	Bureaucracy	۱۴- بوروکراسی (۴۲)
Militarism	۴۱- میلیتاریسم (۱۰)	Process	۱۵- پروسه (۳۹)
Yalta Agreement	۴۲- موافقتنامه یالتا (۲۵۹)	Pluralism	۱۶- پلورالیسم (۲۱۷)
Whig	۴۳- ویک (۳۰۲)	Populism	۱۷- پوپولیسم (۲۷)
Hegemony	۴۴- هژمونی (شانزده)	Politbureau	۱۸- پولیت بورو (۸۲)
		Taboo	۱۹- تابو (۲۵)
		Trust	۲۰- تراست (۳۵)
		Tory	۲۱- توری (۳۰۲)
			۲۲- جامعه اقتصادی اروپا (۱۱۶)
		European Economic Community	
		Self-expression	۲۳- خودتصریح (۲۳۹)
		Dogmatism	۲۴- دکماتیسم (۱۱۳)
		City-state	۲۵- دولت‌شهر (۲۳۸)
		Radicalism	۲۶- رادیکالیسم (۲۷۵)
			۲۷- رژیم پارلمانتاریستی (۱۱۳)
		Parliamentaristic regime	

● راهنما :

الف - شماره اول، قبل از اصطلاح، نشاندهنده ردیف الفبائی هر اصطلاح است.

ب - شیوه‌املائی به کار رفته در این فهرست و در اصطلاحات، به همان صورتی است که در کتاب آمده.

ج - عدد داخل پرانتز مقابل هر اصطلاح، نشان دهنده اولین صفحه‌ای است که در کتاب، این اصطلاح آمده است.

فهرست مآخذ فرهنگ اصطلاحات کتاب "مکاتب سیاسی معاصر"

در این فهرست، نخست صورت مختصر عنوان هر مآخذ - به همان صورت که در فرهنگ اصطلاحات به کار رفته - نوشته شده، سپس مشخصات کامل هر یک آمده است.

۱- دانشنامه :

- آشوری، داریوش - "دانشنامه سیاسی" - انتشارات سهروردی و مروارید - ۱۳۶۶ - ۱۹ + ۳۳۲ ص.

۲- فر. اجتماعی :

- بیرو، آلن - "فرهنگ علوم اجتماعی" - ترجمه: باقر ساروخانی - انتشارات کیهان - ۱۳۶۷ - ۱۵ + ۵۱۹ ص.

۳- فر. رفتاری :

- شعاری نژاد، علی اکبر - "فرهنگ علوم رفتاری" - مؤسسه انتشارات امیرکبیر - ۱۳۶۴ - ۵ + ۶۱۵ ص.

۴- فر. سیاسی :

- علی بابائی، غلامرضا - "فرهنگ علوم سیاسی" - شرکت نشر و پخش ویس - ج ۲ - ۱۳۶۹ - ۳ جلد - مصور - (ج ۱ - ۱۶ + ۹۶۶ ص / ج ۲ - ۲۶ + ۹۶۴ ص / ج ۳ - ۱۸۱ + ۲۸۸ + ۳۵۹ ص).

۵- معین :

- معین، محمد - "فرهنگ فارسی (متوسط)" - مؤسسه انتشارات امیرکبیر - ج ۷ - ۱۳۶۴ - ۶ جلد - مصور - ۱۰۶ + ۲۳۵۹ ص.

۶- مکتبها :

- بازارگاد، بهاء الدین - "مکتبهای سیاسی" - انتشارات اقبال - ج ۳ - ۱۳۴۳ - ۱۶ + ۲۱۶ ص.

بعضی مآخذ دیگر :

۷- فر. دانشگاهی :

- آریانپورکاشانی، عباس وموچهر - "فرهنگدانشگاهی، انگلیسی - فارسی" - ج ۲ - جلد اول - ۱۲۹۶ + ۱۷ ص.

۸- مهتا، ود - "فلسوفان ومورخان، دیداربا متفکران انگلیس" - ترجمه: عزت الله فولادوند - شرکت سهامی انتشارات خوارزمی - ۱۳۶۹ - ۲۷۴ ص.

۱- آریستوکراسی (۲۱۱) *Aristocracy*

معنای اصلی این کلمه ، که در معین حال توجیه اخلاقی آن را نیز در بردارد ، حکومت سرامدان است که برتری ایشان بر اساس وراثت و شرف خونی است و بنا بر این می توان آن را - "نژاد سالاری" یا "مہانسالاری" (حکومت نژادگان و اشراف) ترجمه کرد . البته یافتن یک معیار کلی (جز وراثت) برای برتری ، سخت دشوار است و در عمل تا کنون کمتر معیاری برای گزینش بهترین کسان به کار رفته است .

در فلسفه سیاسی یونان ، "آریستوکراسی" به معنای حکومت کسانی است که به کمال انسانی از همه نزد یکنند . ارسطو (در رساله "سیاست") و افلاطون (در رساله "جمهوریت") برای یافتن معیار شناسایی شایسته ترین کسان برای حکومت بسیار کوشیده اند .

ارسطو بهترین گونه های حکومت را پادشاهی آریستوکراسی و حکومت قانونی می داند . ارسطو میان آریستوکراسی و اولیگارشی* به این صورت فرق می گذاشت که "گزینش بر اساس ثروت ، اولیگارشی است و گزینش بر اساس فضیلت ، آریستوکراسی ."

اما از روزگاران قدیم آریستوکراسی کمابیش همواره با اولیگارشی هم معنا بوده است . . . در عرف ، حکومتی را "مہانسالاری" (آریستوکراتیک) می خوانند که قدرت دولت در آن مطلق و در دست طبقه ممتاز باشد و آن طبقه ، حاکمیت را از راه وراثت و امتیازهای طبقه ای در دست گرفته باشد و دیگر طبقات را در آن راه نباشد . نوع کامل این گونه نظام سیاسی را در ایران پیش از اسلام و اروپای

فرون وسطی می یابیم .

این نوع حکومت ، امروزه در کمتر جای جهان دیده می شود و جای خود را به دیکتاتوریهای اولیگارشیانه جدید سپرده است .

۲- آلترناتیو (۲) *Alternative*

صفت نیروی سیاسی که بتواند جانشین دولت شود یا حکومت را به دست گیرد . جانشین . شق دیگر . (فرا امروز)

۳- آنارشیزم (۱۸۰) *Anarchism*

جنبش سیاسی و نظریه ای که هوادار بر افتادن هرگونه دولت و منسختن انجمنهای آزاد و همیاری د او طلبانه افراد و گروهها به جای هرشکلی از دولت است .

بنیاد آنارشیزم برد شمعی باد دولت است ولی در معین حال وجود هرگونه قدرت سازمان یافته اجتماعی و دینی را نیز ناروا می شمرد . آنارشیزم ، قوانین دولتها را سرچشمه تجاوز و خاستگاه همه بدیهای اجتماعی می داند و به این دلیل خواستار از میان رفتن همه دولتهاست . آنارشیزمها ، برخلاف آنچه معروف است ، آشوبخواه یا "هرج و مرج طلب" نیستند و جامعه بی سامان نمی خواهند بلکه به نظامی می اندیشند که بر اثر همکاری آزادانه پدید آمده باشد ، که بهترین شکل آن ، از نظر ایشان ، ایجاد گروههای خودگردان (خود مختار) است ، زیرا آنارشیزمها انسان را بذات اجتماعی می انگارند . . . آنارشیزمها بر آنند که گردش نظام اقتصادی در جامعه آزاد و خالی

از زور، بهتر خواهد بود آنچه را که امروز دولت به زور انجام می دهد گروههای د او طلب بهتر انجام خواهند داد و محدود کردن کردن فرد، لازم نیست، زیرا بشر بذات به حالت آزادانه احترام به حقوق فرد گرایش دارد و پیگرد بزهکاران در جایی که بزهی روی دهد، باید به سازمانهایی که خود به خود به وجود می آیند و سپس از میان می روند، واگذاشته شود . . .

آنا رشیستها همگی در برافکندن هر نوع دولت هم رأیند و د موکراسی را نیز استبداد اکثریت می دانند که شرآن کمی کمتر از استبداد سلطنتی است . . . (دانشنامه - صص ۴۳ - ۴۰)

۴- اپورتونیزم (۱۴۳) *opportunism*
فرصت جوایی یا فرصت طلبی، تغییر جهت دادن بر حسب دگرگونی اوضاع به خاطر سود شخصی. کسانی را "فرصت جو" (اپورتونیزست) می نامند که همواره به سوی قدرت وقت گرایش دارند و پابیند اصولی نیستند و با اصول خود را فدای می کنند. (دانشنامه - ص ۲۴۴)

۵- اپوزیسیون (۱۷۰) *opposition*
د معنای وسیع کلمه عبارت است از کوشش اتحادیه ها، حزبها، گروهها، دسته ها و افراد برای دستیابی به هدفهایی در جهت مخالف هد نهایی دارندگان قدرت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، خواه با استفاده از شیوه های پارلمانی خواه با شیوه های دیگر. د معنای محدود، "اپوزیسیون" نامی است برای گروهی که د نظامهای حکومت پارلمانی به موجب قانون اساسی موجود بیت آن به رسمیت شناخته شده و در پارلمان، گروهی را تشکیل می دهد که به حکومت

یاد ولت - پیوسته نیست و از آن حمایت نمی کند، ولی با آن خود را به یک قانون اساسی و فساد از می داند. اپوزیسیون پارلمانی با شرکت د رگفت وگوهای مجلس و با شورقانونی، مطابق شرایطی که قانون اساسی معین کرده است، در کنار حکومت نظارت مستقیم دارد و افکار عمومی را در جریان می گذارد. مهمترین وظیفه "اپوزیسیون" آن است که به انتخاب کنندگان امکانات انتخاب د یگری را نشان دهد و از این راه امکان انتخابات د رست تر را فراهم کند. اپوزیسیون، مظهر حکومت احتمالی آینده است. این گونه اپوزیسیون جزء مکمل نظامهای پارلمانی در کشورهای سنتی لیبرال، مانند انگلستان، فرانسه و سوئد است که معمولاً د حزب اصلی د آنها وجود دارد که به نوبت نقش حاکم و اپوزیسیون را به عهده می گیرند. د نظامهای یک حزبی، اپوزیسیون به صورت رسمی و قانونی وجود ندارد. د این نظامها هرگونه مخالفت با حزب و دولت حاکم مخالفت با نظم عمومی و قانونی اساسی شمرده می شود. . . . (دانشنامه - صص ۹-۸)

۶- اتوریتراریانیزم (۲۲۸) *Authoritarianism*
قدرت باوری، پشتیبانی از حکومت زورگویی که د ستورهای آن از ترس کیفر رعایت می شود و دفاع نظری از چنین حکومت و روشی را قدرت باوری گویند. هواداران نظامهای قدرت ورز (اتوریتاریان) برآنند که اقتدار (اتوریته) فرمانروا به خودی خود، توجیه مشروعیت آن است و باید بی چون وچرا پیروی شود، زیرا این قدرت به صورت مأموریت از سوی خدا یا جریان تاریخ به او داده شده است. هواداران جدید این گونه

رژیمها ز کندی و بی کفایتی نظامهای دموکراتیک در اداره امور انتقاد می کنند و برای جامعه نظامی قدرتمند می خواهند .

(دانشنامه - ص ۲۴۸)

۷- اتوریته (۷۰) AUTHORITY

قدرت، یکی از مفاهیم اصلی علم سیاست است که جامعه شناسان کوشیده اند با جد کردن آن از مرجعیت یا اقتدار مشروع (اتوریته) از سویی و زور از سوی دیگر، آن را تعریف کنند . قدرت توانایی دارنده آن است برای واداشتن دیگران به تسلیم در برابر خواست خود ، به هر شکلی، ولی همچنانکه "روسو" در "قرارداد اجتماعی" توجه کرده است : "قدرتمندترین مرد نیز چند ان قدرتمند نیست که همیشه سرور بماند مگر آنکه

قدرت خود را به حق و فرمانبری راه و وظیفه تبدیل کند ."

وجود اقتدار " اتوریته " ، یعنی قدرتی که مشروعیت آن بر اساس سنت یا قانون پذیرفته شده است ، یکی از خصوصیات سازمان اجتماعی خانواده ، شرکت ، دانشگاه ، حکومت - است ، که در آن فرماندهی ناشی از به رسمیت شناختن توانایی بزرگتری است که در شخص یا در مقام ، نهفته است . روابط میان دولتها - اگر قالب قانونی مشترک در کار نباشد یا میان آنها همراهِ وجود نداشته باشد - معمولاً " روابط قدرت است . روابط میان افراد و گروهها ، اگر نظم یافته و تابع مقررات باشد ، چه مقررات سنتی چه قانونی ، بیشتر روابط اقتداری (اتوریته ای)

است . زور ، فشاری است گاهی جسمانی (هنگامی که به خشونت بگراید) که دارندگان

قدرت و اقتدار (اتوریته) به کار می برند . زور ، ممکن است برای پشتیبانی از اقتدار به کار رود ، مانند گوشمالی بچه یا زندانی کردن جنایتکار . تهدید به دستبازی به زور برای اجرای خواست شخص قدرتمند ، همواره در پیس قدرت ایستاده است ، اما در تاریخ ، نمونه هایی از به کار بردن قدرت (یعنی اراده) بدون دست یازیدن به زور وجود دارد ، مانند جنبش " سانیگراها "ی گاندی برضد قدرت بریتانیا .

در نظریه " سیاسی درباره " نهاد های قدرتها دولت است که حق کاربرد مشروع نیروها پلیس و ارتش را برای کاربرد است اقتدار خود

دارد (دانشنامه - صص ۲۴۸-۲۴۷)

۸- اِلِیتِسم (چهارده) Elitism

سرامد باوری (نخبه گرایی) ، باور به اینکه در هر جامعه یا گروه اجتماعی ، اقتصادی ، سیاسی ، فرهنگی و جز آن ، کسانی به سبب توانمند شخصیشان برتر از دیگرانند و حق آنهاست که از امتیازهای پیشوایی و رهبری برخوردار باشند . سرآمد باوری با دموکراسی مخالف است و آن را پایمال کردن حق توانمندان بر پایه به سود میانمایگی یا اندک مایگی تودمانی و برتر شمردن کمیت نسبت به کیفیت می داند . سرآمد باوری یا سرآمد پروری در آموزش و پرورش ، عبارت است از گزینش هوشمندترین دانش آموزان و پرورش آنها با روشهای جداگانه و فراهم کردن امکانات استثنایی برای پرورش عالیترین استعدادها تا بالاترین حد . این روش هم اکنون در برخی کشورها (بریتانیا ، فرانسه ، آلمان ، شوروی و آمریکا) به کار بسته

می‌شود. (دانشنامه - صص ۱۹۸-۱۹۷)

که برای تکمیل مطالعات تخصصی خود در بیمارستانی کار می‌کند.

۹- الیگارشی (۲۳۸)

گروه‌سالاری، فرمانروایی گروهی اندک شمار برد و ملت، بدون نظارت اکثریت. معمولاً این عنوان را برای اقلیت حاکمی به کار می‌برند که قدرت دولت را در راه سود خود به کار می‌برد و اکثریت ناراضی را سرکوب می‌کند.

(فر. د. دانشگاهی - انگلیسی، فارسی)

۱۱- اند یوید و آلیسم (۲۳۱)

فرمانروایی گروه اندک برد یگرسازمانها و نهاد های اجتماعی مانند سازمان دینی، اتحاد به کارگری، حزب و جز آنها نیز الیگارشی نامیده می‌شود. از زمان افلاطون، الیگارشی در برابر یگسالاری (اتوکراسی) و مردم سالاری (دموکراسی) قرار گرفته است. افلاطون، الیگارشی یا گروه سالاری را نوع فاسدی از حکومت به شمار می‌آورد و آن را نوع فاسدی از آریستوکراسی می‌دانست.

Individualism
فرد باوری، نظریه سیاسی و اخلاقی ای که کامروایی فرد را غایت عمل اجتماعی و زندگی می‌شمارد و پایه آن بر این فرض است که سود جوئی فرد به خودی خود به سود کلی جامعه می‌انجامد. در نتیجه، این نظریه بر حقوق مالکیت، همچون شرط لازم آزادی، تکیه می‌کند و نظارت دولت را هنگامی لازم می‌شمارد که مقصود از آن فراهم کردن آزادی عمل برای فرد باشد. بر طبق این نظریه، فرد به خودی خود غایتی است و به رغم فشار جامعه برای همسان کردن افراد، باید مستقل و آزاد باشد. ریشه فرد باوری را می‌توان در آراء -

اندیشمندان جدید، بویژه در قرن بیستم، توجه خاص به گروه سالاری دارند و برخی هم حکومتها را ناگزیر، گروه سالارانه می‌دانند. اینها برآنند که حکومت را به فردی و جمعی نمی‌توان تقسیم کرد زیرا جمع یا مردم هرگز حکومت نمی‌کنند و عمل واقعی حکومت، همیشه با گروه اندک است و مسأله تنها نوع رابطه این گروه اندک با جامعه و حدود مسوول بودن آن است الیگارشی ممکن است حکومت یک طبقه، دسته، یا حزب باشد و بنیاد اینهاست که شکل‌های گوناگون حکومت را پدید می‌آورد.

سوفسطاییان یونان یافت، ولی در عصر جدید به صورت یک جنبش فکری، همراه با جنبش دین پیرایی (رنورماسیون)، در سده شانزدهم در اروپا پدید آمد و همین جنبش بود که در اروپا امکان آزادی فرد در رابطه با خدا، بی واسطه کلیسا و رهایی از تسلط کلیسا را فراهم کرد. . . . (دانشنامه - صص ۲۴۴-۲۴۳)

(دانشنامه - ص ۵۲)

۱۲- اومانیزم (۲۰)

۱- انترن (۷۸)

Humanism
انسان گرایی، اصطلاحی است بسیار متداول در علوم انسانی، لیکن با معانی بسیار گوناگون و در مواردی، متناقض. انسان گرایی به طور کلی و بدون تصریح کافی، جریانسی فکری است که در آن به تأکید بر ارزشهای خاص انسانی در برابر ارزشهای مادی، اقتصادی،

کارورز - پزشک مقیم بیمارستان، پزشکی

فنی و یا ارزشهای دینی و فوق مادی پرداخته می شود .

... بورژوازی ، در اصطلاح مارکسیستی ، به معنای سرمایه داران ، سوداگران ، پیشه وران و

از نظر انسان دوره ، رنسانس ، انسان گرایی ، کیش اندیشه و کوشش در جهت پیوستن فرهنگ جدید با فرهنگ باستانی بوده است . تأکید بر این نکته که تنها انسان ، معیار سنجش همه چیز است ، نوعی انسان گرایی است .

انسان گرایی از دیدگاهی دیگر ، اعتقاد به رستگاری انسان ، تنها از طریق کاربرد نیروی انسانی است . به طور قطع ، به همان اندازه که طرز تفکر راجع به انسان و سرنوشت او تنوع می یابد ، همان قدر نیز انسان گرایی ، صوری گوناگون می یابد . نظیر انسان گرایی یونانیان ، پروبرانه های آن ، بساط فرمانروایی سیاسی خود انسان گرایی دوره رنسانس ، انسان گرایی خودگرا را برقرار کرده و با نظریات لیبرال خویش ، روابط مسیحی ، مارکس گرا ، طبیعت گرا ، بی خدا ، اقتصاد و سیاسی جامعه را دگرگون کرده است . وجود گرا ، نژاد گرا . . .

(فر . اجتماعی - ص ۱۶۴)

۱۳ - بورژوازی (۲۴) Bourgeoisie

در قرون وسطی فردی از اهل شهر آزاد یا "بورگ" را ، که نه ارباب بوده نه دهقان ، بورژوا می گفتند . در سده های هفدهم و هجدهم ، ارباب یا کارفرما را در برابر دوره گردان و کارگران ، یا بازرگان را در برابر پیشه ور ، به این نام می نامیدند . بدین ترتیب ، "بورژوا" به معنای فردی از طبقه میانه شد . بورژوازی به صورت اسم جمع در اصل ، در فرانسه عنوانی بود برای طبقه میانه سوداگروپیشه ور یا شهرنشینانی که بر ملاک داری از حقوق سیاسی برخوردار بودند اما رفته رفته در مباحثات سیاسی معنای خاص و وسیعی به خود گرفت .

دارندگان مشاغل آزاد است ، در برابر "پرولتاریا" که تنها با فروش نیروی کار خود می زید . بر حسب این طبقه بندی ، بورژوازی از نوعی سرمایه داران صنعتی و سرمایه داران مالی ، و از سوی دیگر ، به بورژوازی بزرگ (کاپیتالیستها) و خرد بورژوازی (پیشه وران خرده پا ، دکانداران ، و دگرانی که سطح زندگی شان خیلی بالاتر از سطح زندگی پرولتاریا نیست .) تقسیم می شود . به نظر مارکس سرمایه داری از رشد طبقه میانه سوداگر و صنعتگر جامعه قرون وسطایی پدید آمده و پروبرانه های آن ، بساط فرمانروایی سیاسی خود را برقرار کرده و با نظریات لیبرال خویش ، روابط اقتصاد و سیاسی جامعه را دگرگون کرده است .

بخشیندی بورژوازی به بورژوازی بزرگ و خرد بورژوازی از دیدگاه فرهنگی نیز معنای یافته است . بورژوازی بزرگ را معمولاً طبقه ای می دانند که صرف ثروت برای برخورداری از جنبه های معنوی و فرهنگی زندگی و زندگی آریستوکرات وار را آموخته است ، ولی خرده بورژوازی ، به نظر برخی ، نمودگار روح کاسبانه حسابگر تنگ چشم و خالی از هرگونه بلند پروازی و نمودهای عالی ، و به طور کلی ، نمودگار میانمای انسان است . (دانشنامه - صص ۶۸-۶۷)

۱۴ - بوروکراسی (۴۲) Bureaucracy

دیوانسالاری در اصطلاح به معنای دستگاه اداری است که بر طبق نظام و مقررات معین ، امور جاری مؤسسه ای (وزارتخانه ، شرکت ، دولت ، دانشگاه و . . .) را اداره می کند و

هدنهای آن را پیش می برد .

... از جمله ویژگیهای پابرجای بوروکراسی وجود مقررات حقوقی برای امور، و نیز وجود دستگاه اداری حقوق بگیر، وظیفه معین برای هر یک از کارکنان دستگاه، اهمیت قدرت و مقام به جای قدرت فرد، و نگهداری سازمان یافته اسناد و مدارک است. به نظر "وبر"، بوروکراسی منطقی، عامل اصلی منطقی شدن نظام دولت در جهان است.

بوروکراسی جدید از خود جنبه های منفی نیز نشان داده است که عبارت است از کند شدن کارها در چنبره مقررات زائد و سلسله مراتب طولانی، سوء استفاده از قدرت مقام به سود صاحب منصب، میل به گسترش قدرت و دامنه دستگاه و افزایش تسلط خود بر جنبه های هر چه بیشتری از زندگی اجتماعی و اقتصادی و سیاسی این جنبه های بوروکراسی را، که هم زیرضربه های خردگیری هنرمندان و هم نظریه پردازان سیاسی قرار گرفته است، "اداره بازی" گویند... در روزگار ما آنچه نظریه پردازان سیاسی را به خود مشغول کرده است، مسأله ظهور بوروکراسی به عنوان یک "طبقه" جدید است که قدرت سیاسی را به دست دارد. این نظریه بانشر کتاب "طبقه" جدید اثر میلوآن جیلاس، نظریه پرداز اهل یوگوسلاوی، پراکنده شد. (دانشنامه - صص ۶۹-۷۰)

۱۵- پروسه (۲۹)

Process

نرایند، واژه ای است کلی که مجموعه ای از پدیده های در حال تطور را می رساند. نرایند را حرکتی سازمان یافته می دانند، دربستر

زمان، جریان عمل، پیشروی یا توسعه و یا به طور کلی هر دگرگونی در جهت پیشرفت یا واگشت معمولاً از بسط و جریان یک نرایند نیز سخن به میان می آید. در نرایند، نوعی ارتباط و وحدت پویا وجود دارد.

گاه هر تغییری را که مشاهده کنند، ای مد نظر قرار داده، بتواند در آن ویژگیها و یا جهتی مشخص یابد، نرایند می خوانند. در این معنی، هر تطور اجتماعی، هر تغییر، هر عمل یا رابطه اجتماعی و غیره نرایندهایی به حساب می آیند. نرایند اجتماعی در معنای وسیع، در بطن ساخت اجتماعی تحقق می پذیرد و از این دو، مجموعه دیالکتیکی و بعدی پدید می آید که در آن عمل نرایند، ساخت را دگرگون می سازد و ساخت نیز به نوبه خود، نرایند را تحت تأثیر قرار می دهد. (نر. اجتماعی - ص ۲۹۷)

۱۶- پلورالیسم (۲۱۷)

Pluralism

کثرت باوری، این اصطلاح نظریه هایی را در بر می گیرد که به لزوم کثرت عناصر و عوامل در جامعه و مشروعیت منافع آنها باور دارند و در سیاست به معنای باور به کثرت و استقلال گروهها سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در هر سیستم، و هواداری از ارزش اخلاقی و لزوم وجود گروهها گوناگون سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در نظام است. کثرت باوران بر تقدم حقوق بعضی گروهها و نهادها (خانواده، کلیسا، اتحادیه ها، حکومت های محلی و جز آن) بر دولت تأکید می کنند و بر آنند که قدرت دولت نباید انحصار باشد، بلکه در عین نظارت کلی دولت، دیگر نهاد های اجتماعی و مقدم بر دولت باید استقلال

ف
 و قدرت خود را نگاه دارند. کثرت باوران، برخلاف
 آنارشیستها،* منکر وجود دولت نیستند، بلکه
 برای آن کارکرد هایی سود مند برای جامعه
 می شناسند، مانند سازماندهی مستقیم یا غیر
 مستقیم اقتصاد، مالیات بندی، حفظ آزاد بیهای
 فردی، امنیت ملی و روابط خارجی. در میان
 هواداران این نظریه، گرایشهای گوناگونی
 هست. گروهی از کثرت باوران، نهاد های -
 اجتماعی و محلی را برتر از دولت می شمارند و
 بعضی دیگر برابر با آن و بعضی دیگر برتر از
 آن . (دانشنامه - ص ۲۵۸)

۱۷ - پوپولیسم (۲۷) Populism

مردم باوری، بزرگداشت مفهوم "مردم" - یا
 "خلق" - تا حد مفهومی مقدس، و بنا بر به اینکه
 هدفهای سیاسی را می باید به خواست و نیروی
 "مردم"، جدا از حزبها و نهاد های موجود،
 پیش برد. مردم باوری، خواست "مردم" را همین
 حق و اخلاق می داند و این خواست را برتر از
 همه سنجها و ساز و کارها (مکانیسمها) ی -
 اجتماعی می شناسد و بر آن است که می باید میان
 مردم و حکومت، رابطه مستقیم وجود داشته باشد
 این اعتقاد همچنین با ایمانی ساده، فضایل
 "مردم" را در برابر منش فاسد طبقه حاکم یا هر
 گروهی که موقعیت سیاسی و اقتصادی و منزلت
 اجتماعی برتر داشته باشد، قرار می دهد و می -
 ستاید. یکی از خصوصیات مردم باوری، یافتن
 توطئه های "ضد مردمی" در هر جا است و این
 برداشت به دشمنیهای نژادی و قومی، دامن
 می زند . . . (دانشنامه - صص ۳۰۰ - ۲۹۹)

۱۸ - پوپلیت بورژوازی (۸۲) Populism

به معنای "د فتر سیاسی" است و در عین -
 حال به هیأت مرکزی حزب کمونیست شوروی که
 رهبری سیاسی و قدرت حقیقی اتحاد جماهیر
 شوروی را در دست دارد نیز گفته می شود.
 (فر. سیاسی ج ۱ - ص ۱۵۲)

۱۹ - تابو (۲۵) Taboo

خصلتی را می رساند که برای یک شخص یا یک
 چیز پذیرفته می شود و تماس با آن با استفاده
 از آن را برای دیگر مردم، ممنوع می سازد. تابو
 ممنوعیتی است که موجودی انسانی، حیوانی
 یا گیاهی مشمول آن می شود و این از آن روست
 که این موجود، مشحون از نیرویی برتر و یا
 مانا شناخته می شود که آن انسان یا گیاه و یا
 حیوان را در تصرف خود دارد. به این جهت،
 هر تماسی با آن خطرناک شمرده می شود و باید
 از نزد یک شدن بدان نیز اجتناب کرد.

تخلف کننده در اثر تماس با آن به نیرویی شوم
 مبتلا می شود که وی را برای مردم، خطرناک
 و مضر می سازد. (فر. اجتماعی - ص ۴۲)

۲۰ - تراست (۳۵) Trust

دارای دو معنای عام و خاص است. در
 معنای عام آن، به هر بنگاه صنعتی یا تجارتي
 که توسعه و اهمیت زیادی دارد و نفوذ انکار
 ناپذیری پیدا می نماید، اطلاق می گردد.
 تراست به معنای خاص عبارت است از اتحاد
 مالی چند بنگاه که تحت مدیریت واحد اداره
 می شوند و بنگاههای عضو، شخصیت مالی و
 استقلال عمل حقوقی خود را به نفع اتحاد به از

دست می دهند .

پیدایش تراستها از سال ۱۸۸۰ و از آمریکا آغاز شد . قبل از آن ، نوعی اتحادیه صنعتی و تجارتي به نام "پول" (Pool) وجود داشت . امروزه در آمریکا و انگلستان بیشتر اتحادیه ها - به ویژه در صنایع نفت ، الکل و قند - به صورت تراست است مانند : تراست نفتی راکفلر ، تراست فولاد کارنگی و تراست قند هومیر .

(فر . سیاسی - ج ۱ - صص ۱۷۱ - ۱۷۰)

۲۱ - توری (۳۰۲)

Tory

یکی از د حزب سیاسی انگلستان در قرن هفدهم که اعضا پیش راد راصل ، طرفداران مذهب کاتولیک و اشراف زمیندار تشکیل می دادند . از ۱۸۳۲ به " حزب محافظه کار " تغییر نام داد و این حزب هنوز باقی است .

(نیلسونان و مورخان - ص ۲۱۷)

۲۲ - جامعه اقتصادی اروپا (E.C.C (۱۴۶)

European Economic Community

جامعه اقتصادی اروپا در ۲۵ مارس ۱۹۵۷ به موجب عهد نامه اول رم ، بین کشورهای آلمان ، ایتالیا ، فرانسه و کشورهای بنلوکس (بلژیک ، هلند ، لولز امبورگ) تأسیس گردید و اکنون جامعه اقتصادی اروپا ، اجتماعی مرکب از ۹ کشور اروپایی است که بازارهای ملی خود را - تحت نظام بازرگانی ، کشاورزی و صنعتی واحد و مشترکی در آورده اند .

... هدف جامعه اقتصادی اروپا عبارت

است از : ایجاد بازار مشترک برای مجموعه محصولات ، ضمن لغو حقوق گمرکی و حذف سهمیه در روابط متقابل اعضای سازمان ؛ برقراری تعرفه

مشترک گمرکی ؛ اتخاذ سیاست مشترک اقتصادی لغو تشریفات مربوط به ورود و خروج اتباع هر یک از کشورهای عضو در سرزمین یکدیگر ؛ تسهیل سرمایه گذاری و مبادله خدمات و اثخا - سیاست مشترک در زمینه کشاورزی و حمل و نقل .

(فر . سیاسی - ج ۲ - کتاب ۴ - صص ۲۸۰ - ۲۸۳)

۲۲ - خود تصریحی (۲۲۹)

Self-expression

اظهار وجود یا خود بیانی عبارت است از :

الف - اظهار رویان انکار و احساسات خویش مخصوصاً از طریق فعالیت های ابتکاری در زبان ، هنر و صنعت ب - فعالیتی که سبب می شود شخص از رضایت خاطر و خشنودی مستقیم ، لذت ببرد .

(فر . رفتاری - ص ۳۹۸)

۲۴ - دکماتیسیم (۱۳۲)

Dynamism

جزم گرایی (مکتب قطعیت) یا جزم اندیشی عبارت است از :

الف - اصل یا عقیده ای را بدون داشتن شکه پذیرفتن .

ب - مکتب فلسفی است که بر مفدمات یا اوضاعی بنیان گذاری شده است که به طور منطقی و به اندازه کافی مورد بررسی قرار نگرفته اند .

(فر . رفتاری - ص ۱۳۲)

۲۵ - دولت شهر (۲۳۸)

City-state

شکلی از جامعه سیاسی که قلمرو آن یک شهر است . این شکل در دوران کلاسیک تمدن یونان ، پدید آمد و نام باستانی آن " پولیس " بود . قلمرو " پولیس " چند ان محدود بود که شهروندان همه یکدیگر را می شناختند . در باب منشاء دولت شهرها ، نظر ها نامگون است .

گمان می رود که نظامهای قبيله ای آغازین در یک دوره پیشرفت اقتصادی و از هم گسیختگی از ۱۰۰ تا ۸۰۰ پیش از میلاد در شبه جزیره یونان، جزیره های اژه، و غرب آسیای کوچک، جایگیر شدند و هسته دولت شهرها را به وجود آوردند... (دانشنامه - صص ۱۶۶-۱۶۷)

۲۶- رادیکالیسم (۲۷۵) *Radicalism*

گرایش به نظرهای سیاسی تند رو. این کلمه از "رادیکس" (*Radix*) در زبان لاتینی آمده است، به معنای "ریشه"، و "رادیکال" صفتی است برای همه نظرها و روشهایی که خواهان دگرگونی بنیادی و فوری در نهاد های اجتماعی و سیاسی موجود هستند؛ چه گرایشهای چپ، چو کمونیسم و چپ نو، چه راست تند رو، چون فاشیسم و نازیسم. صفت رادیکال همچنین برای هرگونه نظری در زمینه هنر و دانش که با نظریه های پابرجا به ستیزه برخیزد به کار می رود. در این معنا "رادیکال" و "رادیکالیسم" رادرفارسی می توان "تند رو" و "تند روی" ترجمه کرد.

(دانشنامه - صص ۱۷۶-۱۷۵)

۲۷- رژیم پارلمانتاریستی (۱۴۲)

Parliamentaristic regime

پارلمان و پارلمانداری، هیأتی را که در هر کشور برای وضع و تصویب قوانین و نظارت بر اجرای آنها از سوی مردم برگزیده می شود، پارلمان گویند. پارلمانها معمولاً با رأی مستقیم، مخفی و همگانی مردم انتخاب می شوند و در کشورهای که در قانون اساسیشان "تفکیک قوا" پیش بینی شده، قوه قانونگذاری را تشکیل می دهند و هیأت وزیران در برابر آن پاسخگو

وجود پارلمان در هر کشور، نظراً، نمیند (سمبول) حاکمیت مردمیاد موکراسی است. . . . پارلمانداری روش کشورهای است که در آنها پارلمان در مقام قوه قانونگذار وجود دارد و قوه مجریه در برابر آن مسوول است و گمارش وزیران و نخست وزیر بارأی اعتماد -

پارلمان صورت می گیرد. هرگاه قوه قانونگذار از هیأت وزیران سلب اعتماد کند آن هیأت برکنار می شود و هیأت دیگری بر سر کار می آید این گونه نظامها را پارلماندار (پارلمانتاریست) گویند. . . . (دانشنامه - صص ۷۶-۷۷)

۲۸- رواقیون (۱۶۹) *Stoicism*

مکتب رواقی (استائیک) را چهارمین و آخرین مکتب از مکاتب چهارگانه بزرگ آتنی قدیم می شمارند که در سال ۳۰۰ قبل از میلاد به وسیله "زنو" (*Zeno*) یا "زنون" (*Zenon*) فیلسوف نینقی در شهر آتن برای تجدید نظر در اصول فلسفه یونان قدیم و وفق دادن آن با شرایط جدید دوره هلنیستیک (هلنی) یعنی دوره بعد از اسکندر، تأسیس گشت و بعد ها به روم انتقال یافت و پرورش یافته، تکامل پیدا کرد. . . .

اصول فلسفه رواقیون در قسمت عقاید سیاسی به شرح زیر است:

- (۱) کولکتیویسم (جمع باوری) : منافع فرد فدای جامعه، اما جامعه جهانی نه دولت ملی، دولت جهانی حاکم بر فرد است.
- (۲) انترناسیونالیسم : مردم طبعاً عضو جامعه جهانی هستند. قوانین این جامعه، طبیعی و واجب الایلاء و رعایات اجتماعی ضروری است.

تجدید نظرطلبی یا بازنگرگری، در اصل عنوانی بود برای نظریه‌ها و روش سیاسی سوسیالیستهایی که در اواخر قرن نوزدهم و سرآغاز قرن بیستم در برخی از نظریه‌های کارل مارکس در مورد جنگ طبقه‌ای و آینده جامعه سرمایه‌داری بازنگریستند و به جای انقلاب خواهی، هوادار تحول آرام از سرمایه‌داری به سوسیالیسم شدند. سرسلسله بازنگرگران، تجدید نظرطلبان، روزنامه‌نویس سوسیالیست آلمانی، ادوارد برنشتاین بود. . . . اصول انتقاد های بازنگرگران از مارکسیسم، اینهاست:

(۱) نروافتادن سیستم سرمایه‌داری با شتابی که مارکس پیش بینی می‌کرد، روی نداده و نزدیک هم نیست؛

(۲) مبارزه طبقه‌ای، چنانکه مارکس پیش بینی می‌کرد، گسترش نیافته و طبقه میانه به هیچ وجه از صحنه جامعه ناپدید نشده و به عکس، رشد کرده است؛

(۳) تمرکز صنعت و سرمایه بسیار کند تر و نامنظمت از آن پیش رفته که مارکس پیش بینی می‌کرد است؛ (۴) زیر فشار طبقه کارگر، گرایش اجتماعی در جهت کاهش بهره‌کشی از کارگران است و کوشش تولید کنندگان و مصرف کنندگان، اندک اندک موجب بالا رفتن سطح زندگی طبقه کارگر شده است؛ (۵) سرانجام، در پیشرفت آرام، امکان کامیابی بیشتری هست تا در خشونت و تغییر ناگهانی. . . . به طور کلی، این اصطلاح در گروه‌ها و

(۳) برادری و مساوات: همه مردم جهان برادر یکدیگر و در حقوق مساوی و عموماً اتباع کشور جهان هستند بدون توجه به مال و مقام و نژاد یا فرهنگ ایشان.

(۴) قانون: قانون کشور باید مطابق قانون جامعه بشری و حقوق قانون طبیعت باشد.

(۵) جامعه: جامعه جهانی تنها جامعه ایده‌آل است و بس.

(۶) نژاد: نژاد، نژاد انسان است نه نژاد خاص.

(۷) شأن آدمی: شأن آدمی و حقوق افراد انسانی مورد اهمیت و احترام است بدون توجه به مال و مقام و نژاد و فرهنگ.

(۸) تقوی: تقوی عبارت است از عالیترین خیر و صلاح. تقوی، خاص یک طبقه نیست. هر قوم و هر طبقه می‌تواند صاحب تقوی باشد.

(۹) آتنیسم (بی‌خدایی): رواقیون دوره اول، منکر وجود خداوند بودند.

(۱۰) ماتریالیسم (اصالت ماده): اعتقاد به اصالت ماده و فلسفه عملی و معتدل مادی.

(۱۱) پوزیتیویسم (اصالت تحصیل): اعتقاد به وجود آثار قابل حس و مشاهده و بس.

(۱۲) میس‌تی‌کیسم (رازگرایی): صورت معما داشتن و اسرار آمیز بودن افکار و عقاید ایشان.

(۱۳) بی‌نیازی: سعی در عدم احتیاج به دیگران، تحمل و صبر در سختیها و مقاومت در برابر مشکلات به منظور تمرین در عدم احتیاج به دیگران.

(۱۴) حقوق طبیعت: معتقد به حقوق طبیعی.

(مکتبها - صص ۱۹ - ۱۷)

حزبها و کشورهای کمونیست، همدیگر را با هم می‌آید [می‌آید] ...

(دانشنامه - صص ۵۹-۵۸)

۳۰- ژوزویت (۱۸۴) Jesuite

یسوعیین، فرقه‌ای از مسیحیان پیرو مسلک ایگناس د لولا یولای قدیس

(۱۵۵۶-۱۴۹۱) می‌باشند

یسوعیین معتقد به سه اصل تقوی و فقر و اطاعت نسبت به پاپ می‌باشند.

(معین - ج ۶ - ص ۲۴۳۵)

۳۱- سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) (۱۹۴۹)

N.A.T.O North Atlantic Treaty Organization

ناتو در ۴ آوریل ۱۹۴۹ تشکیل شد و در آن اعضای "سازمان پیمان بروکسل" (بلژیک، فرانسه، لوکزامبورگ، هلند و انگلستان) و کانادا، دانمارک، ایسلند، ایتالیا، نروژ، پرتغال و ایالات متحد شرکت کردند. این پیمان، دو دولت آمریکای شمالی را به کشورهای اروپای غربی می‌پیوندد. به موجب ماده ۵ پنجم پیمان، اعضای پیمان اعلام کرده اند که حمله به هر یک از دولت‌های عضو را حمله به تمام اعضای دانند و اگر به کشوری حمله مسلحانه شود، هر یک از کشورهای دیگر با هر عملی که لازم بداند "به آن کشور کمک خواهد کرد". این وظیفه، نامستقیمتر از وظیفه‌ای است که اعضای سازمان پیمان بروکسل و "اتحادیه اروپای غربی" به عهده گرفته‌اند زیرا در پیمانهای اخیر، اعضا موظفند که به یکدیگر "همه کمکهای نظامی و غیرنظامی را که در توان خود دارند" بکنند.

از ۱۹۴۹ جمهوری فدرال آلمان، یونان و ترکیه نیز به این پیمان پیوسته‌اند. در مارس ۱۹۶۶ فرانسه از شاخه نظامی پیمان خارج شد و در نتیجه شورای آتلانتیک شمالی (که مدیریت سازمان را به عهده دارد)، "کمیته نظامی" و "دبیرخانه" بین‌المللی "پیمان همراه با" سرفرماندهی قوای متحد اروپا از فرانسه به بلژیک برده شد.

این پیمان اساساً بر ضد شوروی و کشورهای اروپای شرقی بسته شده و در برابر آن "پیمان ورشو" قرار دارد که همانند این اتحادیه برای کشورهای اروپای شرقی است.

سازمان ناتو یکی از سه حلقه نظامی "بلوک غرب" برای محاصره "بلوک شرق" بود، اما در حلقه دیگر آن، یعنی سازمانهای "سنتو" و "سیتو" اکنون از میان رفته است.

(دانشنامه - صص ۳۱۶-۳۱۷)

۳۲- سانترالیسم (۲۲۳) Centralism

مركزیت یا مرکز گرایی، به معنای مرکز داشتن و رسیدگی به همه امور و تصمیم‌گیری درباره آنها در یک مرکز اصلی است. در اصطلاح سیاسی به سیستمی گفته می‌شود که در آن همه کشور از یک مرکز رهبری شود، و در برابر آن سیستمهایی قرار دارند که اداره کشور در آنها مرکزیتی نیست و به صورت فدرال یا حکومت‌های ایالتی و ولایتی اداره می‌شوند. در سیستم اخیر، واحدهای محلی (ایالت، جمهوریهای فدرال) کمابیش از خودگردانی برخوردارند. در واحدهای بزرگ مرکزگرا، - کندی جریان امر و اداره بازی (بوروکراسی)

همواره دست و پاگیر است.

(دانشنامه - صص ۳۰۱-۳۰۰)

"سانترالیسم دموکراتیک" یکی از اصول عقاید "لنینیسم" است و به عنوان اصل سازمانی در همه حزبهای کمونیست به کار بسته می شود. بنا بر این اصل، آزادی بحث در داخل حزب و انتخاب آزادانه رهبران آن می باید با سلسله مراتب حزبی و نظمی سختگیرانه برای اجرای تصمیمها که با روش دموکراتیک گرفته می شود، در هم ترکیب شود، اما بنا به تجربه تاریخی، در طول زمان بیشتر بخش دوم عملی شده است و تکیه بر انضباط و اطاعت بیش از رعایت دموکراسی در داخل حزب بوده است، چنانکه در بسیاری موارد "سانترالیسم دموکراتیک" به تسلط یک یا چند تن بر حزب از راه دستگاه مرکزی انجامیده است.

(دانشنامه - صص ۱۹۶-۱۹۵)

۳۳- سکولاریسم (۲۳۹) Secularism

یعنی دنیابردی یا اعتقاد به اصالت امور دنیوی و رد آنچه که غیر از آن است. بنا بر این شامل رد مذهب نیز می شود. . . این اصطلاح در انگلستان زیاد به کار می رود زیرا ابتدا در قرن ۱۹، جمعیتی شگاک و آتئیست (ملحد) در حدود یک هزار نفر، جمع آمده، تشکیلاتی تحت نظر "جورج جاکوب هولی اوک" مؤسس این فرقه که شاگرد "رابرت اوون" بود به وجود آوردند. فکرایشان آن بود که از خصوصیت شدید که هدف آن به حد افراط، حمله به کلیساها باشد، اجتناب نموده، در آن نوع جمعیتها شرکت ننمایند بلکه هدف خود را هدفی مثبت معرفی کردند و آن، توجه به امور این جهان خاکی بود. . . (مکتبها - ص ۱۰۶)

غیر دینی کردن (Secularization)

فرایندی است که بر طبق آن، واقعیاتی که در قلمرو دینی، جادویی و مقدس جای داشتند، به محدوده امور غیرمقدس و طبیعی منتقل می شوند. در زمینه حیات اجتماعی، غیر دینی ساختن بازداشت بعد تقدس آمیز برخی از مظاهر جهان و مقام انسان در جهان، همراه است و با آن مظاهر عقلانی، علمی و فنی جایگزین مظاهر دینی و تبیین جهان با استعانت از امور مقدس و الهی می شود. . . (فر. اجتماعی - ص ۳۳۴)

۳۴- فالانژ (۱۸۶) Falange

فالانژ و فالانژیسم، نام حزب فاشیست اسپانیا و ایدئولوژی آن. این حزب را "خوزه آنتونیو پریمو د ریورا"، پسر دیکتاتور پیشین، "پریمو د ریورا"، در سال ۱۹۳۳ بنیان گذاشت و از اتحاد آن با دیگر دسته های فاشیست در همان سال "فالانخه اسپانیولا" به رهبری وی تشکیل داد. به وجود آمد، که برنامه آن جلب طبقه کارگر به یک ناسیونالیسم تندرو اجتماعی (پاهد ف ملی کردن سرمایه، اصلاحات ارضی، توسعه ارتش و روش انقلابی برای رسیدن به هدف) و یک نظام قدرت باور (اتوریتاریانیست*) بود که با سوسیالیسم و فرد باوری (اندیوید و آلیسم*)، که به نظر آنان موجب پاشیدگی ملتند، مبارزه کند. مانیفست ۲۶ ماده ای "فالانخه" قانون اساسی جمهوری، حزب بازی، سرمایه داری، مارکسیسم و جنگ طبقاتی را رد می کرد و بر لزوم یک دولت ملی - سندیکالیست تکیه داشت.

. . . در اصطلاح سیاسی دیگر کشورها،

"فالانژ" برای دست راستیهای افراطی، که به

کمک دسته‌های اوپاش در خیابان‌ها به حمله و
ویرانگری و برهم‌زدن تظاهرات گروه‌های چپ
می‌پردازند، به کار می‌رود . . .

(دانشنامه - صص ۲۳۸-۲۳۷)

۳۵ - کمینترن (۱۴۴) *Comintern*

نام اختصاری بین‌الملل کمونیست‌ها که در پی
نشستی در مارس ۱۹۱۹ در مسکو برقرار شد. این
بین‌الملل، که اتحادیه‌ای بود از حزب‌های انقلابی
مارکسیست و مخالف هرگونه بهبود خواهی
(رفورمیسم)، قرار بود جانشین بین‌الملل
سوسیالیست شود. سیاست‌های کمینترن از آغاز
زیرتسلط بولشویک‌های روسیه بود و اصول لنینی
سازمان آن بر اساس "بیست و یک شرط پذیرش"
قرار داشت. از جمله این اصول، سرسپردگی
حزب‌های عضو به مرجعیت "کمیته اجرایی کمینترن"
بود و این سرانجام، کار را به تسلیم هر یک از این
"بخش‌های ملی" - یعنی حزب‌ها - در برابر
تسلط شوروی و سیاست‌های آن کشاند .

... وابسته شدن پیمان اتحاد آلمان و
شوروی، در اوت ۱۹۳۹، تبلیغات کمینترن که
تا آن زمان متوجه خطر نازیسم بود، بیشتر
متوجه قدرتهای غربی شد، ولی با حمله آلمان
به شوروی در ۱۹۴۱ باز جهت عوض شد. در
۱۹۴۳ برای جلب نظر متفقین غربی، شوروی
کمینترن را منحل کرد، اما پس از جنگ برای
مدت کوتاهی "کمینفرم" جای آن را گرفت.

(دانشنامه - صص ۲۷۳)

۳۶ - کمینفرم (۱۴۵) *Cominform*

نام اختصاری دفتر اطلاعات حزب‌های
کمونیست اتحاد شوروی که به پیشگامی حزب

کمونیست اتحاد شوروی در اکتبر ۱۹۴۷ در بلژیک
برپا شد و مقصود از آن هماهنگ کردن فعالیت‌های
حزب‌های کمونیست ایتالیا، چکسلواکی، رومانی
شوروی، فرانسه، لهستان، مجارستان و یوگسلاوی
بود. نماینده شوروی "آندره‌ای ژدانف" با اعلام

اینکه جهان به دو اردوگاه سوسیالیست و
سرمایه‌دار، تقسیم شده است، کمونیست‌ها را به
مبارزه‌ای بی‌امان علیه سرمایه‌داری فراخواند و
این سرآغاز "جنگ سرد" بود.

پس از اخراج یوگسلاوی از کمینفرم (۱۹۴۸)
مرکز آن به بخارست برده شد. کمینفرم هرگز
اهمیت بین‌الملل پیشین، یعنی کمینترن* را
نیافت و در آوریل ۱۹۵۶، پس از کوشش خرو
برای آشتی با یوگسلاوی، منحل شد.

(دانشنامه - صص ۲۷۴-۲۷۳)

۳۷ - کورپوراتیویسم (۶۲) *Corporatism*

کورپوراتیسم (۶۲) *Corporatism*

. . . فلسفه رسته‌باوری [یا صنف‌گرا] برد و
اصل قرار داشت: (۱) فرد نباید از نظر سیاسی
تنها شهروند دولت شمرده شود بلکه باید بر حسب
وظیفه‌ای که در جامعه انجام می‌دهد کارگر،
کارفرما، کشاورز، پزشک، آموزگار، وکیل و جز
آنها شناخته شود و چون مسائل کلی سیاست
برای توده مردم، که تنها از کسب و کارشان سر
در می‌آورند، خیلی پیچیده است، اینان تنها
حق نظر دهی در امور شغلی خودشان را
دارند، و از این رو (۲) تنها سرآمدان (نخبگان)
الیت‌های (حاکم که از امور پیچیده‌ای که بر کل
جامعه اثر می‌گذارد سردر می‌آورند، شایسته
حکومت و نظر دهی در سیاست هستند. این

مفهوم را اساس افلاطونی است و در عصر جدید متفکران ضد دموکراسی مانند "ادموند برگ" و هگل، از آن جانبداری کرده اند.

در جاهایی که از الگوی ایتالیای فاشیست تقلید کردند، رسته باوری را با اشتیاق پذیرفتند.

پرتغال در ۱۹۳۳، اتریش در ۱۹۳۴، اسپانیا در ۱۹۴۹، برزیل در ۱۹۳۷، و سرانجام آرژانتین در دوره "دیکتاتوری پرون" (۱۹۴۳-۵۵) این سیستم را پذیرفتند، اما با جانشین شدن رژیمهای لیبرال در این کشورها رسته بندی جای خود را به اتحادیه های آزاد داد. (دانشنامه - صص ۱۶۶-۱۶۵)

۳۸ - کنوپراتیو (Cooperative) (۵۷)

شرکت تعاونی، صورتی از سازمان اقتصادی است که در آن، اعضا با برخورداری از حقوقی برابر برای انجام فعالیتی، پیمان می بندند و هدف از آن ارضای نیازهای مصرفی یا مرتب با کار و فعالیت، بدون انقیاد در برابر توقعات سلطه جویانه، سرمایه می باشد.

پس هدف از تأسیس هر "شرکت تعاونی" به هر صورت که باشد و یا عملکرد خاص آن، رهایی از الزامات ناشی از سود جویی رایج در سرمایه داری است. لیکن زمانی تعاونی می تواند به مبارزه با شبکه "قدرتمند پول و سرمایه های بزرگ برخیزد که از نظر حقوقی توسط دولت به رسمیت شناخته شود و مورد دفاع قرار گیرد (امتیازات اقتصادی یا ارائه اعتبارات، معافیت از برخی مالیاتها). اشکال اصلی تعاونیها عبارتند از تعاونیهای

تولید، مصرف، اعتبار، ساختمان و کشاورزی.

(فر. اجتماعی - ص ۷۰)

۳۹ - لائیک (Lairc) (۲۲)

وابسته به شخص دنیوی و غیر روحانی، شخصی که علم خاصی را نداند، عامی، غیر فنی، عام (در مقابل روحانی).

(فر. دانشگاهی - انگلیسی، فارسی)

۴۰ - لسه فر (Laissez Faire) (۲۲۰)

اصطلاح فرانسوی، معنی لغوی آن این است: "بگذار هر شخص آنچه که می خواهد، بکند". این اصطلاح عنوان دیگری است برای فرضیه "اکنونومی کلاسیک" و معرف اصول فلسفه مزبور بوده، مفهوم آن این است که امور اقتصاد چنانچه دولت یا هر قدرت الزامی دیگر در آن مداخله نکند، به خودی خود حلال مشکلات خود می باشد و به بهترین نحو اداره می شود و بر اساس این فرضیه قرار دارد که وجود یک نظم هماهنگ که در آن فعالیت فرد مواجه با موانعی مانند مقررات دولتی نشود، چرخ امور اقتصادی را به نفع عموم به کار می اندازد و اصل منافع شخص که تابع روش عقلی باشد در مدت مدید عین منافع عامه است. این فرضیه در آغاز قرن ۱۷ وضع گردید و گروهی از اقتصاد شناسان فرانسوی موسوم به "نیزبوکراتها" به هدایت "تورگو" آن را پرورش دادند و "آدام اسمیت" پدر اکنونومی کلاسیک در کتاب خود موسوم به "ثروت ملل" آن را تأیید نمود.

(مکتبها - ص ۱۶۵)

۴۱ - میلیتاریسم (Militarism) (۱۰)

ارتش سالاری یا نظامیگری، چهار حالت در سازمان دولتی ارتش سالاری نامیده می شود: جنگجویی، سروری ارتش برد ستگاه دولت،

بزرگداشت سپاه‌یگری و بسیج کشور بـسرای
هدنهای نظامی (میلیتاریستی) . وقتی این
چهار حالت بشدت فراهم باشد (مثلاً در ژاپن
در دوره هیدکی توجو، ۴۴ - ۱۹۴۰) ارتش
سالاری کامل است. وقتی دیواسه حالت وجود
داشته باشد، نسبی است. گونه‌های ارتش
سالاری رامی‌توان به نسبت برتری هریک از
حالت‌های آن از یکدیگر بازشناخت.

ارتش سالاری به معناهای بسیار به کار
می‌رود. گاهی آن را به معنای جنگجویی یا
سیاست خارجی گسترش طلب و آمادگی برای به
راه انداختن جنگ به کار می‌برند. در موارد دیگر
به معنای سروری ارتش بر دستگاه دولت است.
در چنین موردی برای آنکه یک دستگاه دولتی،
ارتش سالار (میلیتاریست) نامیده شود، می‌باید
حوزه قدرت نظامی و غیرنظامی آن به روشنی از هم
جدا باشند و قدرت نظامی بر دستگاه اداری و
سیاسی چیره باشد. نخستین نشانه‌های -
جدایی حوزه قدرت نظامی و غیرنظامی از
یکدیگر در شاهنشاهی ایران در قرن پنجم
پیش از میلاد پدید آمد

(دانشنامه - صص ۱۶-۱۵)

۴۲ - موافقتنامه یالتا (۱۹۴۵)

Yalta Agreement

کنفرانسی که فرانکلین روزولت، رئیس
جمهور آمریکا، وینستون چرچیل، نخست وزیر
بریتانیا و مارشال استالین، نخست وزیر شوروی
در "یالتا" واقع در شبه جزیره کریمه (جنوب
روسیه) از ۴ تا ۱۱ فوریه ۱۹۴۵ تشکیل دادند
در این کنفرانس تصمیم‌های نهائی درباره -
شکست دادن و تصرف آلمان و تسلیم بی‌قید و

شرط آن گرفته شد. همچنین تصمیم گرفته شد که
هریک از سه دولت، منطقه‌ای از آلمان را اشغال
کنند، ولی اداره مشترک آن زیر نظر کمیسیون
نظارت باشد که از فرماندهان عالی نیروهای
اشغالگر در برلین تشکیل می‌شود. از فرانسه
نیز دعوت شد که به عنوان عضو چهارم کمیسیون
نظارت، منطقه‌ای را اشغال کند.

مقامهای سه دولت اعلام کردند که آلمان نباید
هرگز بتواند صلح جهان را برهم زند و همه
سلاحهای نظامی آن باید خارج و نابود شود
و همه جنایتکاران جنگ، محاکمه و به شدت -
مجازات شوند. آن بخش از صنایع آلمان که
برای مقاصد جنگی به کار می‌رفته نابود شود یا
زیر نظر نظارت قرار گیرد، غرامت و ویرانی‌هایی که
آلمانها به بار آورده‌اند بر آن کشور تحمیل شود
نفوذ نازی و روحیه نظامی از زندگی مردم آلمان
محوشود و نیز موافقت شد که یک سازمان بین -
المللی برای حفظ صلح و امنیت جهان مستقر
شود. پایه این سازمان در کنفرانس دومبارتن
اوکس گذاشته شده بود. در کنفرانس یالتا
سران سه دولت، پیشنهاد های سه گانه روزولت
را تصویب کردند. این پیشنهادها عبارت بود
از اینکه: (۱) هریک از اعضای شورای امنیت
یک رأی داشته باشد، (۲) تصمیم‌های شورای
امنیت در مسائل نظامنامه‌ای با هفت رأی موافق
گرفته شود، (۳) تصمیم‌های شورای امنیت در
مورد مسائل دیگر باید با رأی موافق هفت عضو
شامل رأی موافق پنج عضو دائمی، گرفته شود.
در ضمن هیچ یک از طرف دعوانباید در رأی
دادن شرکت کنند. جمله شامل رأی موافق
پنج عضو دائمی، موجب پیدایش "حق و تسو"

شد . موافقت شد که اتحاد شوروی در مجمع عمومی ملل متحد برای جمهوری فدرال سوسیالیستی شوروی روسیه ، جمهوری سوسیالیستی شوروی - اوکراین و جمهوری سوسیالیستی شوروی روسیه سفید ، سه کرسی نمایندگی داشته باشد و شوروی از پیشنهاد خود در کنفرانس "دومبارتن اوکس" - که به موجب آن هریک از جمهوریهای تابع آن کشور (در آن زمان ۱۶ جمهوری) یک کرسی نمایندگی داشته باشد - چشم پوشید

(دانشنامه - صص ۲۷۰-۲۶۹)

۴۳- ویگ (۳۰۲) Whig

پیرویکی از دو حزب سیاسی بزرگ انگلستان حزب ویگ در اواخر سده هفدهم تأسیس شد و طرفدار محدود ساختن قدرت سلطنت و رقیب حزب "توری" * بود . ویگها در ایام پادشاهی جورج اول وجود دوم مصدرکار شدند . اما بعد در سلطنت جورج سوم (۱۸۲۰-۱۸۶۰) به چند دستگی گرفتار آمدند و از توریها شکست خوردند . ویگها همیشه از اصلاحات سیاسی و اجتماعی هواداری می کردند و پس از انقلاب کبیر فرانسه ، در نیمه اول قرن نوزدهم ، نام نرفته خویش را به حزب لیبرال ، تغییر دادند . وارشان در صحنه سیاسی امروز بریتانیا ، از بعضی جهات ، حزب کارگراست .

(فیلسونان و مورخان - ص ۲۱۶)

۴۴- هژمونی (شانزده) Hegemony

پیشوایی ، اصطلاحی است که در نوشته های برخی از مارکسیستهای سده بیستم (به ویژه نویسندگان ایتالیایی ، آنتونیو گرامشی) به کار می رود . مراد از آن چیرگی مادی و معنوی یک

طبقه بر طبقات دیگر است ، چنانکه در اصطلاح "پیشوایی بورژوازی" به کار رفته است . تأکید این اصطلاح بر آن است که طبقه مسلط نه تنها از نظر سیاسی و اقتصادی جامعه را زیر نظر دارد ، بلکه شیوه خاص نگرش خویش به جهان و انسان و روابط اجتماعی را نیز چنان همه گیر می کند که به صورت "عقل مشترک" (

در می آید و آنانی که زیر تسلط او هستند این نگرش را همچون پاره ای از "نظم طبیعی" جهان می پذیرند . آنچه از این

نتیجه می شود آن است که انقلاب نه تنها قدرت سیاسی و اقتصادی را از طبقه ای به طبقه ای دیگر می سپارد ، بلکه از راه صورتهای تازه ای از تجربه و آگاهی ، می باید "پیشوایی" دیگری بیافریند

(دانشنامه - ص ۸۷)